

اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای

گذشته^۱ و نگاهی به فرارو^۲*

نویسنده: الیور ای. ویلیامسون^(۱)*

مترجم: دکتر محمود متوسلی

۱. مقدمه

مبحث اقتصاد نهادگرایی جدید را با یک اعتراف (اقرار)، یک ادعا و یک توصیه آغاز می‌کنیم. اعتراف به این که ما هنوز درباره نهادها بسیار کم می‌دانیم. ادعا این که ربع آخر قرن گذشته شاهد پیشرفت‌های متعدد در مطالعه نهادها بوده است. (و درنهایت) اگر به دنبال نظریه واحدی^۳ هستیم، توصیه من این است که پلورالیزم^۴ را بپذیریم.

1. Taking Stock

2. Looking Ahead

* Williamson, Oliver E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, Sep. Vol. XXXVIII, pp. 595-613.

* اعداد تُک داخل دو کمان، به یادداشت‌های پایان مقاله اشاره دارد.

3. Anified Theory

4. Pluralism

پیچیدگی خیلی زیاد نهادها علت عمده جهل و فقدان دانش کافی^۱ ماست. از عوامل دخیل دیگر کنار گذاشتن نهادها توسط نئوکلاسیک‌ها بود و این که تئوری‌های سازمان فاقد وجه علمی بودند. پیشرفت‌های انجام شده در خصوص نهادها قسمت عمده مباحث این مقاله را شامل می‌شود. نسخه‌ها و دستورالعمل‌های بسیاری با زاویه دیدهای^۲ متفاوت برای مطالعه و بررسی نهادهای پیچیده وجود دارد و "پلورالیسم" وعده‌ای مستحکم برای غلبه بر این جهل است.

من با این نظر جون الستر (۱۹۹۴، ص. ۷۵) موافقم که می‌گوید "ما در این مرحله توسعه روی مکانیزم‌های جزئی به جای تئوری‌های عمومی کار می‌کنیم." با وجود این در تفکیک و طبقه‌بندی خطاها و اشتباهات که لرد اکتون به آن اشاره می‌کند ما نیازمند تمیز دادن گوسفندها از بزها هستیم.^(۳) این کار ما طرح این پرسش که آیا نظریه بیش از این که در مصاف داده‌ها قرار گیرد قابلیت ابطال دارد، قابل انجام است.

ماتیوس (۱۹۸۶، ص. ۹۰۳) در سخنرانش برای انجمن سلطنتی اقتصاد^۴، اعلام کرد که "اقتصاد نهادها یکی از زنده‌ترین^۴ مباحث رشته ما گردیده است." این چنین اظهار رسمی موجب شگفتی بیشتر اهل حرفه گردید. آیا اقتصاد نهادگرایی در دوران طولانی قبل از آن به تاریخ تفکر اقتصادی سپرده شده بود؟ جایگاه زمانی اشاره ماتیوس به حساسیت موضوع چه بوده است؟

پاسخ ماتیوس (۱۹۸۶، ص. ۹۰۳) این بود که اقتصاد نهادگرایی جدید^۵، NIE، به دو قضیه^۶ بر می‌گردد. اول این که "نهادها بسیار مهم هستند" و دوم، "عوامل تعیین‌کننده و سازه‌های نهادها به وسیله ابزار نظریه اقتصادی قابل تحلیل‌اند". مورد دوم اقتصاد نهادگرایی جدید را از سایر دیدگاه‌های نهادی متمایز می‌سازد و البته تمامی اقتصاددانان نهادگرایی جدید و قدیم در این ایده که "نهادها با اهمیتند" توافق دارند.

1. Ignorance
2. Lenses
3. Royal Economic Society
4. Liveliest
5. New Institutional Economics
6. Proposition

درحقیقت، گرچه هر دو سبک^۱ قدیم و جدید اقتصاد نهادگرایی نظریه‌های خوب بسیاری را به طور مشترک به این عرصه از علم افزوده‌اند، اما یک برنامه تحقیقاتی پیشرو نیازمند نظریات بیشتری است. کنث ارو (۱۹۸۷، ص. ۷۳۴) به شکل زیر این گذار و تحول را بیان می‌دارد:

چرا مکتب نهادگرایی قدیم به رغم تحلیل‌گران توانایی چون نورستین ویلسن، جسی آر. کامنز و دبلیو. سی. میچل آن چنان شکست بدی را تجربه کرد؟ اکنون من فکر می‌کنم که ... (یکی از پاسخ‌ها در) "تحلیل‌های مهم مشخصی" است که ... در جنبش نهادگرایی جدید وجود دارد. نهادگرایی جدید اما به دنبال دادن پاسخ‌های جدیدی به پرسش‌های سنتی اقتصاد نظیر تخصیص منابع و درجه بهره‌برداری از منابع نیست. بلکه به دنبال پاسخ به پرسش‌های جدید است، چرا نهادهای اقتصادی به شکل اسروزی آن به وجود آمده‌اند و به شکلی دیگر پاسخ آن با تاریخ اقتصادی عجیب می‌شود و این که استدلال‌ها در رویکرد جدید دقیق‌تر و یا در صورت تحلیل‌های خرد و تفصیلی^۲ است که قابلیت بالاتری را نسبت به رویکرد گذشته یافته است.

شکی نیست که اقتصاد نهادگرایی جدید طی چهارده سال پس از زمان اظهاریه ماتیوس هم از لحاظ ارزش و منزلت و هم از نظر نفوذ در محافل علمی رشد کرده است. بدبینی‌های اولیه به تدریج جای خود را به احترام و اعتبار سپرده است. این به این دلیل است که اقتصاددانان، افرادی عمل‌گرا و تجربی هستند. چیزی متفاوت و تبعی درباره پدیده‌هایی که مورد علاقه آنهاست بگویند و تشریح کنید که داده‌های آماری مؤید آنها هستند؛ آن وقت توجه آنها جلب می‌شود. اقتصاد نهادگرایی جدید نه با پیشروی یک نظریه فراگیر بلکه با کشف و شفاف‌سازی^۳ چهره تحلیل‌های خرد و تفصیلی همان‌گونه که ارو به آن اشاره می‌کند پیشرفت کرده است. آنها این پیشرفت را با چیدن بلوک‌ها روی هم به طوری که ارزش فزون یافته تراکمی‌شان نتواند انکار شود، به دست آوردند.

به‌علاوه اقتصاد نهادگرایی جدید متوقف نخواهد ماند. باوجود این که اقتصاد نهادگرایی در اقتصاد مرسوم ادغام شده است، فرصت‌ها و چالش‌های جدید در راه است. کارها ناتمام و پروژه‌های جدیدی در هزاره جدید در انتظار انجام شدن هستند.

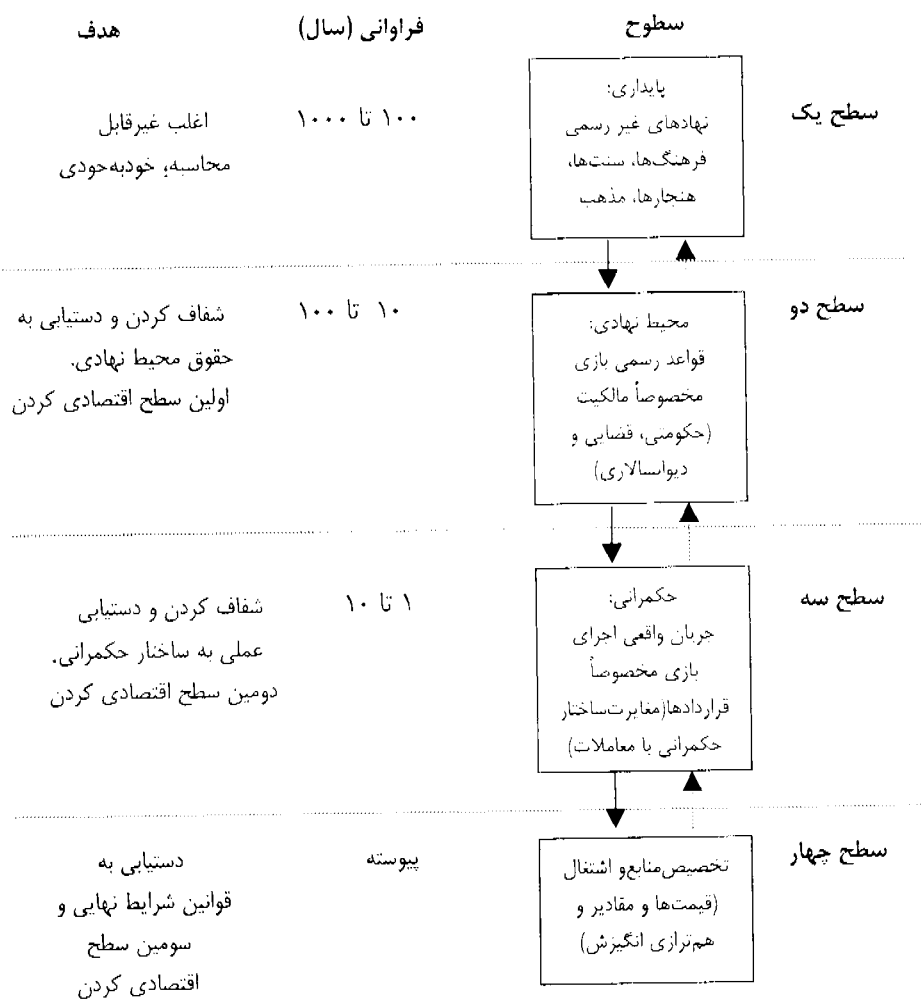
من با یک تصویربرداری ساده از چهار سطح تحلیل اجتماعی شروع می‌کنم، بعد به برخی عقاید خوب که اقتصاد نهادگرایی جدید آنها را در آثار خود مورد استفاده قرار داده است، می‌پردازم و سپس به بررسی از کاربردهایی که اقتصاد نهادگرایی جدید مورد مداغه قرار داده است پرداخته و در پایان نتیجه‌گیری خواهم کرد.

1. Style

2. Microanalytic

3. Explicating

نمودار ۱-۲. اقتصاد نهادگرایی



سطح یک / تئوری اجتماعی

سطح دو / اقتصاد حقوق مالکیت - تئوری سیاسی اثباتی (P.P.T)

سطح سه / اقتصاد هزینه‌های معاملاتی

سطح چهار / تئوری بنگاه - اقتصاد نئوکلاسیک

۲. چهار سطح تحلیل اجتماعی

برای به دست آوردن چشم‌انداز کلی، بررسی چهار سطح تحلیل اجتماعی که در نمودار ۲-۱ آورده شده است مفید خواهد بود.^(۳) فلش‌های پررنگ که سطوح بالا را به پایین متصل می‌کند بیانگر تحمیل قیود از سطوح بالا به پایین است. فلش‌های عکس که به صورت خط‌چین هستند و سطوح پایین را به بالا متصل می‌کنند نشان‌دهنده بازخور هستند. اگرچه در گستره کامل^۱ زمانی سیستم کاملاً در ارتباط متقابل است، من عمده‌تاً از بحث در خصوص بازخورها چشم‌پوشی می‌کنم. اقتصاد نهادگرایی جدید به‌طور عمده با سطوح ۲ و ۳ درگیر است.

سطح بالا سطح ریشه‌دار^۲ اجتماعی است. این سطح جایی است که هنجارها، رسوم، اخلاقیات^۳، سنت‌ها و غیره جای دارند. مذهب نقش عمده‌ای در این سطح ایفا می‌کند. اگرچه تحلیل سطح ۱ توسط برخی از اقتصاددانان تاریخی و سایر دانشمندان علوم اجتماعی انجام شده است^۴، سطح ۱ توسط بیشتر اقتصاددانان نهادی داده شده و مفروض گرفته می‌شود.

تغییرات در این سطح خیلی آرام صورت می‌گیرد و ممکن است قرن‌ها و یا یک هزاره به طول انجامد. به‌طوری که داگلاس نورث (۱۹۹۱، ص. ۱۱۱) این پرسش را مطرح می‌کند که "رمز دراز نهفته در محدودیت‌های غیررسمی چیست که چنین آثار شگرف و ماندنی را بر خصوصیات درازمدت اقتصاد برجای می‌گذارد؟"

نه نورث و نه من پاسخی نسبت به این پرسش پیچیده نداریم. مفهوم ریشه‌داری در هر دو سطح اجتماع و در بافت روابط شبکه‌ای در حال گسترش، به منظور شفاف کردن و تصریح موضوع توسط گرانو و تر تیبین و بسط داده شده است (گرانو و تر، ۱۹۸۵). کارهای مطالعاتی

1. Fullness

2. Embeddness

3. Mores

۴. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

E.C. Banfield 1958; Robert Putnam, Robert Leonardi, and Raffaella Nanetti 1993; Samuel Huntington 1996; and Victor Nee 1998.

دی مگیو (۱۹۹۴) درخصوص فرهنگ نیز قابل توجه است. نیل اسملسر و ریچارد سوندربرگ (۱۹۹۴، ص. ۱۸) این مباحث و امور مربوط را در مقدمه کتاب *اقتصاد اجتماعی*^۱ به بحث می‌گذارند. در این مقدمه آنها انواع مختلف ارزش‌های ریشه‌دار را - نظیر شناختی^۲، فرهنگی، ساختاری و سیاسی - بررسی نموده و تفکیک و تمایز آنها را الزام‌آور می‌دانند و نتیجه‌گیری می‌کنند که مفهوم ریشه‌داری تصریح نظری بیشتری را طلب می‌کند.

تشخیص و شفاف‌سازی مکانیزم‌هایی که از طریق آنها نهادهای غیررسمی ظهور یافته و تداوم می‌یابد می‌تواند به درک تغییر آرام نهادهایی که در سطح ۱ قرار دارند کمک نماید. من در این ارتباط^۳ حدس می‌زنم که بسیاری از این نهادهای غیررسمی عمدتاً منشأ خود به خود خلق‌الساعه داشته باشند. به عبارت دیگر، گزینه ارادی از نوع حسابگرانه، در حداقل ممکن به کار گرفته شده است. با مفروض دانستن این منشأ تکاملی، آنها به تدریج "تطبیق" یافته و سپس نوعی عدم‌تحرک و سکون قوی از خود نشان می‌دهند - برخی به این علت که کارکردی^۴ هستند (مانند رسوم^۵) با برخی دیگر به یک ارزش سمبولیک و نهادین با باورهای عمیق ارتباط می‌یابند و بسیاری به صورتی نافذ با نهادهای مکمل (رسمی و غیررسمی) پیوند خورده‌اند. به این ترتیب، نهادهای منتج پیوندی مستحکم با طریقی که یک جامعه می‌پیماید، خواهند داشت. جوامع منزوی اغلب، اقداماتی برای حفظ خودشان از هجوم "ارزش‌های بیگانه" دارند.

از سطح دوم به عنوان محیط نهادی یاد می‌شود. ساختارهای مشاهده شده در این جا محصول فرایندهای تکاملی هستند، اما فرصت‌های طراحی شده و ارادی نیز در شکل‌گیری این ساختارها دخیل هستند. با گذر از "محدودیت‌های غیررسمی (بایدهای مذهبی^۶، تابوها، رسوم، سنت‌ها و معیارهای رفتاری)" از نوع سطح ۱ اکنون "قواعد رسمی (قوانین اساسی، قوانین عادی، حقوق مالکیت)" را معرفی می‌کنیم (نورث، ۱۹۹۱، ص. ۹۷). این کار فرصت‌هایی را برای

1. Handbook of Economic Sociology
2. Cognitive
3. Connection
4. Functional
5. Conventions
6. Sanctions

اقتصادی کردن مرتبه اول فراهم می‌آورد: "بگذارید قواعد رسمی بازی کارکرد صحیح خود را داشته باشند".*

قیود و محدودیت‌های گذشته بر ابزارهای طراحی سطح دوم که شامل ابزارهای اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری و کارکرد بوروکراتیک دولت و همچنین توزیع قدرت میان سطوح مختلف دولت^۱ می‌شود، سایه می‌افکند. تعریف و الزام به اعمال^۲ حقوق مالکیت و قوانین قراردادها از ویژگی‌های مهم این سطح هستند.

اگر چه چنین انتخاب‌های مرتبه اولی اهمیت تردید ناپذیری در بهره‌وری اقتصادی یک اقتصاد دارند^۳، هم‌نوابی و ایجاد سازگاری در تغییرات تراکمی با خصیصه پیش‌رونده و توسعه‌گرا بسیار مشکل است. در هر حال ناآرامی و نارضایتی عمومی - جنگ‌های داخلی^۴ (انقلاب گلوریوس)، اشغال کشورها (به دنبال جنگ جهانی دوم) و یا تهدیدهای ملموس (انقلاب میجی)، فروپاشی‌ها (اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق)، کودتای نظامی (شیلی) یا یک بحران مالی (نیوزلاند) - موجب انقطاع و تزلزل جدی نسبت به رویه‌های جا افتاده^۵ گذشته خواهد شد. به این ترتیب برای انجام اصلاحات گسترده فرصت‌های بسیار محدودی وجود دارد. با این حال چنین "لحاظ تعیین‌کننده‌ای"^۶ استثنا هستند و نه قاعده. در نهایت به دلیل درک ابتدایی ما، پاسخ و واکنش نسبت به چنین فرصت‌هایی اغلب توأم با "شکست"^۷ بوده است. با فقدان چنین روزنه‌ای تغییرات عمده در قواعد بازی طی دهه‌ها یا قرن‌ها رخ می‌دهد. برای مثال شکل‌گیری اتحادیه اروپا، حدود پنجاه سال است که در جریان است اما هنوز در اولین مرحله توسعه خود قرار دارد.

* این اصلی متعارف در نهادگرایی است که در مقابل گزاره "بگذارید قیمت‌ها کارکرد صحیح خود را (get the price right) داشته باشند، آورده شده است. م.

1. Federalism
2. Enforcement

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به :

Nathan Rosenberg and L.E. Birdzell 1986; Ronald Coase 1992; North 19; Brian Levy and Pablo Spiller 1994; Mancur Olson 1996; Witold Hienisz 1998/94.

۴. نگاه کنید به: North and Barry Weingast 1989.

5. Established
6. Defining Moments
7. Failure

آنچه که از آن تحت عنوان نظریه سیاسی پازتیو^۱، PPT، یاد می‌شود دغدغه حل مسائل اصلاح ساختار اقتصادی و سیاسی در سطح دوم دارد. مطمئناً چنین تحقیقی درس‌هایی برای طراحی نورماتیو مقوله‌های سیاسی بهتر نیز دارد. باوجود این به مانند اقتصاد نهادگرایی جدید نظریه سیاسی پازتیو عمدتاً تمرینی در تحلیل پازتیو است. هدف این است که درک بهتری از پیشبرد امور داشته باشیم. محصول تحقیق پژوهشگران نظریه سیاسی پازتیو برای علم سیاست و اقتصاد نهادگرایی جدید نویددهنده و مفید بوده است.

قسمت عمده اقتصاد حقوق مالکیت از نوع سطح دوم است. تحقیقات در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ به اوج خود رسید. روایتی غنی از این بحث این است که "یک سیستم مالکیت خصوصی نمی‌تواند عملکردی مناسب داشته باشد مگر این که حقوق مالکیت در منابع، ایجاد شده باشد و وقتی این کار انجام شد، کسانی که تمایل به استفاده از منبعی دارند باید بهای آن را به صاحبش بپردازند". در این صورت هرج و مرج^۲ ناپدید می‌شود، و نقش دولت کم رنگ می‌گردد. به استثنای این که یک سیستم قانونی که کار تعریف حقوق مالکیت، و حکمیت دعاوی را عهده‌دار باشد، ضروری است. وقتی که حقوق مالکیت تعریف شد و الزام اعمال آن تضمین گردید، دولت کنار می‌کشد. منابع به بهترین وجه (به بالاترین ارزش) تخصیص می‌یابند و پدیده پیچیده بازار به صورتی اعجاب‌انگیز عمل خواهد کرد.

این مطلب فشرده نقاط قوت و ضعف ادبیات حقوق مالکیت را تشریح می‌کند. بزرگترین نقطه قوت این ادبیات این است که حقوق مالکیت را درصاف مقدم، یعنی جایی که بدان تعلق دارد، قرار می‌دهد تا جایی که استدلال تازه حقوق مالکیت می‌توانست مورد پذیرش قرار گیرد تا به شکلی آموزنده به بار نشیند.^۳ نقطه ضعف ادبیات این است که در آن غلو شده است. به عنوان مثال این ادعا که سیستم قانونی با تعریف و الزام به اعمال حقوق مالکیت هرج و مرج را خواهد زدود،

1. Positive Political Theory

2. Chaos

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Armen Alchian 1961, 1965; Coase 1959, 1960, Harold Demsetz 1967 .

فرض می‌کند که تعریف و اعمال چنین حقوقی آسان است (بدون هزینه است). پر واضح است که کیفیت بسیاری از مبادلات به گونه‌ای است که نمی‌توان آنها را تعریف کرد (کاس، ۱۹۶۰). ضرورت داشت که به فراتر از قواعد بازی (که همان حقوق مالکیت است) وارد شویم و به انجام بازی^۱ (یا همان قراردادها) بپردازیم. به عبارت دیگر این همان اعمال مدیریت^۲ در روابط قراردادی بود که از دهه هفتاد مطرح شد.

در اینجا به سطح سوم یعنی نهادهای اعمال مدیریت می‌پردازیم. اگرچه جایگاه مالکیت مهم باقی می‌ماند، یک نظام کاملاً قانونی کارکردی^۳ به منظور ارائه تعریف و اعمال حقوق قراردادها مورد تأمل و ژرف‌اندیشی^۴ لازم قرار نگرفته است. از آنجایی که نظام دادگاهی بدون هزینه، یک توهم است، اکثر مدیریت قراردادها واکنش‌های حل اختلافات به طور مستقیم به وسیله گروه‌ها بررسی می‌گردد هرچند که نظام خصوصی وجود دارد. این ضرورتی است که ایجاب می‌کند به مجموعه قوانین قراردادها به جای قانون قرارداد همه‌منظوره^۵ به تنهایی^۶ پرداخته شود. (دراينجا) اعمال مدیریت بر روابط قراردادی کانون تحلیل قرار می‌گیرد.

جون آر. کامنز (۱۹۳۲، ص. ۴) کار را با این بینش که "واحد نهایی فعالیت ... باید شامل سه اصل تضاد^۷، تقابل^۸ و نظم^۹ باشد مجسم کرد. این واحد مبادله^{۱۱} است." نه تنها اقتصاد هزینه مبادلاتی این ایده را که واحد اساسی تحلیل مبادله است می‌پذیرد بلکه این را نیز قبول دارد که اعمال مدیریت یک تلاش برای بنای ساختار نظم^{۱۲} است که به وسیله آن تضادها تخفیف یافته و منافع دوجانبه تشخیص داده می‌شود.

1. Play of the Game
2. Governance
3. Functioning
4. Contemplated
5. All Purpose
6. Singular

۷. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: Clyde Summers 1969; Ian Mac Neil 1974.

8. Conflict
9. Mutuality
10. Order
11. Transaction
12. Craft Order

با عنایت به این گونه ادراک از مبحث، یک ساختار اعمال مدیریت آشکارا انگیزه‌ها را تغییر شکل می‌دهد. بنابراین تمرکز کامل بر آرایش انگیزه‌های از پیش تعیین شده^۱ یک روش میان‌بر و ناقص برای مطالعه سازمان است. به‌خصوص اگر همه قراردادهای پیچیده به طور غیرقابل اجتنابی ناقص باشد و اگر تطبیق^۲، مسئله محوری سازمان اقتصادی باشد.^۳ با فراتر رفتن از دیدگاه سنتی نظریه کنش‌گری و کارگزاری^۴ آرایش انگیزه‌های از پیش تعیین شده، اقتصاد هزینه مبادلاتی توجه خود را به طور عمده و فزاینده به مراحل پسین^۵ قراردادهای معطوف می‌کند.

این دیدگاه چهار حرکت را شامل می‌شود: (۱) نام‌گذاری^۶ و تشریح و تبیین ابعاد اساسی با توجه به این که مبادلات را متمایز سازد (و بدین وسیله نیازهای تطبیقی متفاوت کشف شود)؛ (۲) نام‌گذاری و تبیین و تشریح خصیصه‌های^۷ اساسی به منظور توصیف ساختارهای اعمال مدیریت (به‌گونه‌ای که هر یک به وسیله یک نمایه^۸ متمایز از خصیصه مرتبط با آن تعریف می‌شود، که به این ترتیب بازارها، هیبریدها، بنگاه‌ها، مقررات، دوایر^۹، نهادهای غیرانتفاعی و غیره که به لحاظ ساختاری گسسته‌اند متفاوت هستند؛ (۳) برای تحت تأثیر قرار دادن یک بازی تبعیضی^{۱۰} که براساس آن مبادلات با ساختار اعمال مدیریت اتفاق و سازگاری می‌یابند به طوری که پذیرش‌ها و انتخاب‌های انواع مستقل و توافقی^{۱۱} ارتقا یابد و (۴) اثبات این که آیا ترتیبات پیش‌بینی شده با داده‌ها حمایت می‌شود یا خیر.

مسئله محوری در برخورد با این مباحث همان ادغام عمودی است که توسط کوز در مقاله کلاسیک‌اش در سال ۱۹۳۷ تحت عنوان "ماهیت بنگاه" مطرح شد. همان‌طور که معلوم شد هر

1. Ex Ante

2. Adoption

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: Chester Barnard 1938; Friedrich Hayek 1945.

4. Agency

5. Ex Post

6. To Name

7. Attributes

8. Syndronie

9. Bureaus

10. Discriminating Match

11. Cooperative

مقوله‌ای که به صورت یک مقوله قراردادی^۱ طرح و یا بتواند فرموله بشود می‌تواند در اقتصاد هزینه مبادلاتی مورد بررسی قرار گیرد. تعداد بی‌شماری از پدیده‌ها می‌تواند در مضامین و زمینه‌های مشترکی به صورت متنوع قراردادی ظاهر شود. آنچه که من به آن "اقتصادی کردن مرتبه دوم می‌گوییم - فرض کنید ساختارهای اعمال مدیریت درست باشد - در سطح سوم تشخیص داده می‌شود. امکان سازمان‌دهی مجدد مبادلات بین ساختارهای اعمال مدیریت به طور دوره‌ای مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرد. این دوره‌ها دارای نظم یک سال تا یک دهه است که، اغلب تجدید دوره قراردادها یا دوره‌های نوسازی تجهیزات را شامل می‌شود.

چنان تحلیل ناپیوسته و منترعی^۲ از اعمال مدیریت می‌باید از سطح چهارم متمایز شود، سطحی که در آن تحلیل نئوکلاسیک کارآمد است. در این سطح از ابزار بهینگی و عمدتاً تحلیل نهایی استفاده می‌شود و بدین منظور بنگاه به طور نوعی^۳ به عنوان یک تابع تولید توصیف می‌شود. تعدیل‌ها نسبت به قیمت‌ها و محصول به طور کم و بیش پیوسته روی می‌دهد. نظریه کارگزار (کنش‌گر) به جای اعمال مدیریت پسین^۴، بر ترتیبات انگیزشی انتظاری (پیشین)^۵ و ریسک‌پذیری کار^۶ تأکید دارد. با وجود این برای پیچیدگی‌های غیر نئوکلاسیک تدابیری می‌اندیشد که یکی از آن‌ها تعدد وظایف^۷ است (هولمستروم و میلگرام، ۱۹۹۹).

درحقیقت یک مرحله پیشتر (سطح صفر) تحلیل تذکراتی را می‌طلبد: سطحی که در آن مکانیزم‌های ذهنی و فکری^۸ شکل می‌گیرد (پینکر، ۱۹۹۷). کاربرد این عقاید در اقتصاد اکنون درک ما را از بازیگران انسانی دگرگون می‌سازد. همکاران ما در علوم اداری و روان‌شناسی تکاملی برای تحقیق و تجربه در این امر حیاتی هستند.

درنهایت، ما توجه خود را معطوف تکنولوژی می‌کنیم. درمقایسه با نوآوری تکنولوژیک، نوآوری سازمانی به طور مقایسه‌ای نادیده انگاشته شده است. اقتصاد نهادگرایی جدید سعی کرده

1. Contracting Issue
2. Discrete
3. Typically
4. Ex Post
5. Ex Ante
6. Efficient Risk Bearing
7. Multi - Tasking
8. Mind

است موضوع این ایده را که "به حقیقت در بین ابداعات و نوآوری‌های انسان، استفاده از سازمان برای انجام موفقیت‌آمیز و نیل به آرزوها و آرمان‌ها اولین و بزرگترین نقش را دارا بوده است"، بازسازی و تصحیح کند (ارو، ۱۹۷۱، ص. ۲۲۴). با وجود این ما نمی‌توانیم در ارج نهادن به اهمیت بنیادی ابداعات تکنولوژیک ضعیف عمل کنیم (فوگل، ۱۹۹۹). از آن جایی که این دو کنشی متقابل دارند (مانند دو چرخه دو رکابه عمل می‌کنند)، ما نیازمند یافتن راه‌هایی برای برخورد با ابداع‌های تکنولوژیک و سازمانی در یک حالت ترکیبی هستیم.

۳. ایده‌های خوب

منشأ اقتصاد نهادگرایی جدید در نقد نسبت به اندیشه‌های ارتودوکس بود و به اهمیت نهادها و قابلیت^۱ تحلیل آنها عقیده داشت. با یک گسترده‌نگری، من شش نامزد نوبل را در میان شخصیت‌های برجسته^۲ در این مکتب می‌بینم: کنت ارو، فردریک هایک، گونار میردال، هربرت سایمون، رونالد کوز و داگلاس نورث - دو نفر آخر اولین رؤسای ISNIE هستند. آیا، افراد دیگری نیز وجود دارند؛ آرمن آلچیان یک فرد بانفوذ بوده است. همچنین اندیشمندانی نیز روی نظریه سازمان تحقیق کرده‌اند، مخصوصاً در کار^۳، (برخی از آن به وسیله کارهای اولیه چستر بارنارد مجسم می‌شود) جایی که اسامی ریچارد کورت و جیمز مارچ نام سیمون را همراهی می‌کند. کار بدیع آلفرد چندلر نیز در تاریخ کسب و کار^۴ راه‌گشا^۵ بوده است. سهم اندیشمندان در حقوق مخصوصاً حقوق قراردادهای برای افرادی نظیر کارل لاولین، استیوارت مکوالی و لان فالر و یان مک‌نیل قابل توجه است. جون آرکامنز نیز عقاید نو و مهمی را در مطالعه اقتصاد نهادگرایی ارائه کرد. مکتب تاریخی آلمان هم با عقاید مرتبطی سر و کار داشت (فوروبوتن و ریچتر، ۱۹۹۷، صص. ۳۴-۳۵).

در بین ایده‌های کلیدی آنهایی که با اقتصاد نهادگرایی جدید مرتبط است از این قرارند:

1. Susceptible
2. Key Figures
3. Carnegie
4. Business
5. Pathbreaking

بازیگران انسانی^۱. اگر چیزی در تنظیم برنامه و دستورالعمل تحقیق و آگاهی دادن نسبت به روش‌های تحقیق اساسی‌تر از اعتقاد ما نسبت به ماهیت انسان‌هایی که مورد مطالعه قرار می‌دهیم نباشد (سیمون، ۱۹۸۵، ص. ۳۰۳)، آن‌گاه دانشمندان علوم اجتماعی باید برای مشخص کردن (نام‌گذاری) خصیصه‌های کلیدی بازیگران انسانی اعلام آمادگی نمایند. هر دو شرایط ادراکی^۲ و نفع‌طلبی شخصی^۳ نیاز به معرفی و تصریح دارند.

اتفاق نظر نسبی روی ایده شایستگی ادراکی محدود^۴ در اقتصاد نهادگرایی جدید وجود دارد که اغلب از آن به عقلانیت محدود^۵ یاد می‌شود. ذهن، یک منبع محدود است، تخصصی شدن ادراکی به اقتصادی کردن^۶ منجر می‌شود. همچنین با فرض محدودیت‌های ادراکی، قراردادهای پیچیده که من قبلاً به آنها اشاره کردم به طور اجتناب‌ناپذیری ناکامل‌اند. اما وقتی که تقریب نزدیک به یقین وجود دارد که ادعای حدوث^۷ کامل قرارداد غیرممکن است، روش مناسب جهت طراحی^۸ قراردادهای ناکامل جدال‌آمیز^۹ باقی می‌ماند. فقدان توافق روی تعریف و اهمیت عملیاتی عقلانیت محدود یک مانع عمده است.^{۱۰}

ناکامل بودن قراردادها وقتی با شرایط فرصت‌طلبی همراه شود مشکلاتی اضافی تحمیل می‌کند - که خود را به شکل انتخاب سوء،^{۱۱} مخاطرات اخلاقی^{۱۲}، طفره رفتن از کار^{۱۳}، تعقیب جزئی از اهداف و سایر اشکالات رفتار استراتژیک نشان می‌دهد. به دلیل این که بازیگران انسانی با درخواست از آنها، شرایط را صادقانه افشا نمی‌کنند و تمامی وعده‌های داده شده را تکمیل نخواهند نمود، بنابراین، قرارداد به عنوان یک قول فی‌نفسه که با تعهدات غیرمعتبر حمایت می‌شود به خودی خود الزام‌آور نخواهد بود.

1. Human Actors
2. Congnition
3. Self-Interestedness
4. Limited Cognitive Competence
5. Bounded Rationality
6. Economizing
7. Mode
8. Contingent
9. Controversial

۱۰. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: Ariel Rubinstein 1998; David Kreos 1999.

11. Adverse Selection
12. Moral Hazard
13. Shirking

اما در مورد فرصت‌طلبی، دادگاه‌ها صرفاً از شاهدان می‌خواستند بپرسند که "آن چه را که با تصمیم‌گیری ما مرتبط می‌شود برای ما بازگو نمایید". به هر حال شهادت دادن این‌گونه نیست، بلکه از شهود خواسته می‌شود که قسم بخورند "حقیقت را بگویند، کل حقیقت را و نه چیزی بجز حقیقت": دروغ نگو، پنهان نکن، گمراه نکن. از آن جایی که علاوه بر این قسم‌ها فی‌نفسه الزام‌آور نیستند، جزاهایی برای شهادت دروغ تذکر داده می‌شود که شاهد دروغ نگوید.

هنوز خصیصه سومی از بازیگران انسانی نیازمند یادآوری است و آن ظرفیت برای قدرت آینده‌نگری آگاهانه^۱ است. درحقیقت همان‌طور که ریچارد داوکینز (۱۹۷۶، ص. ۲۰۰) بیان می‌کند، آن "ظرفیت شبیه‌سازی آینده در ذهن است که ما را از تکرار تجربه‌های کور محافظت می‌کند". طرفین یک قرارداد که آینده‌نگر هستند، مخاطرات بالقوه را تشخیص می‌دهند، اصلاحات موردنظر در قراردادها^۲ را به انجام می‌رسانند و این موارد را به طور صریح در توافقات از پیش تعیین شده^۳ قرار می‌دهند و البته از مزایای آن نسبت به آنهایی که نزدیک‌بین بوده و یا شانس‌شان را امتحان می‌کنند و به تخته می‌زنند^۴ (تا از چشم زخم در امان باشند) بهره‌مند می‌شوند. فن اعمال مدیریت بر روی روابط قراردادی - اصول سه‌گانه تضاد، تقابل و نظم کامنز که قبلاً به آنها اشاره کردم - به طور اساسی در مبحث فوق دخیل‌اند.

امکان‌پذیری و قابلیت عملی کردن^۵ دانشجویان اقتصاد نهاد گرایی جدید از ایده‌آل‌های فرضی اجتناب می‌کنند. از دانش لایتنهای^۶، خیرخواهی مطلق، هزینه‌های مبادله صفر، اعتبار کامل و مانند اینها دوری جسته و به جای آن با بدیل‌های سازمانی انجام شدنی که همه آنها دارای نارسایی و نقص هستند، کار می‌کنند. کوز (۱۹۶۴) و دیمستز (۱۹۶۹) در میان اولین کسانی بودند که به استانداردهای نامتقارن که در ادبیات "شکست بازار" استفاده شده بود، توجه کردند. این توجه ناظر بر این بود که بازارها با شکست‌ها و نارسایی‌ها پای می‌گیرند، درحالی که

1. Conscious Foresight
2. The Contractual Ramification
3. Ex Ante
4. Knock on Wood
5. Feasibility
6. Omniscience

دولت‌های دارای "اقتدار مطلق"^۱، علم لایتناهی و خیرخواه^۲ (دیکسیت، ۱۹۹۶، ص. ۸) "علاج مؤثری برای رفع نارسایی‌ها به صورتی قابل اعتماد به اجرا می‌گذارند. همان‌گونه که همه ما باید تشخیص دهیم (اما باید متذکر شویم) تمام اشکال سازمانی ممکن - به انضمام دولت - ناقص هستند."^۳

چیزی که من از آن به عنوان معیار قابلیت علاج یاد کردم برای جبران این وضعیت عدم تقارن امور، منظور شده است. این معیار ناظر بر این است که یک شیوه موجود سازمانی که هیچ بدیل برتر ممکن بر آن متصور نیست و با منافع خاص انتظاری مثبت توصیف و اجرا می‌گردد، فرض می‌شود که کاراست.

برای اطمینان، تحلیل‌گران سیاست‌های عمومی به لحاظ تبخیر، زمانی که روش‌های موجود را دیگر محکوم نمی‌کنند که چرا آنها از آرمان‌های فرضی فاصله گرفته‌اند، پیچیده‌تر می‌شوند. معیار قابلیت علاج تحلیل‌گر سیاست‌های عمومی را تحت فشار قرار می‌دهد تا بدیل قابل عمل^۴ برتری را معرفی می‌کند. به علاوه اگر بدیل قابل عمل نتواند بدون هزینه به اجرا درآید، سپس هزینه‌های اجرا به طور مناسبی در محاسبات منافع خالص گنجانده خواهد شد، که در این صورت اصلاحات عمده را برای وابستگی بیشتر ادبیات به دنبال دارند.

سرانجام، نیاز است زمینه‌هایی برای فرض کارایی معرفی شود که در علم سیاست می‌گنجد (ویلیامسون، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹). وقتی که هیچ راه برگشتی وجود ندارد معیار قابلیت علاج به عنوان تذکار^۵ امری بدیهی باقی می‌ماند؛ یعنی: انجام کاری بهتر از بهترین آنها غیرممکن است.

بنگاه‌ها و دوایر. علاوه بر ماهیت انسان‌ها که سیمون مورد اشاره قرار داد، ما نیاز به خودآگاهی از "ماهیت بنگاه" که عنوان مقاله کلاسیک کوز در سال ۱۹۳۷ بود، داریم که اقتصاد نهادگرایی جدید بیشتر الهامات^۶ خود را از آن گرفته است. ارو (۱۹۹۹) به شرح زیر از اهمیت اساسی تئوری بنگاه و مفاهیم غلط دیرینه آن می‌گوید: "نه تنها تئوری‌های نئوکلاسیک، بلکه هر تئوری استاندارد اقتصادی از موجودیت بنگاه شروع می‌کند. معمولاً بنگاه یک نقطه یا در هر

1. Omnipotent
2. Benevolent
3. Feasible Alternative
4. Reminder
5. Inspiration

درجه‌ای یک جعبه سیاه است ... اما بنگاه‌ها احتمالاً نقطه نیستند. آنها دارای ساختار درونی‌اند. از این ساختار درونی باید به دلایلی پرده برداشت^۱.

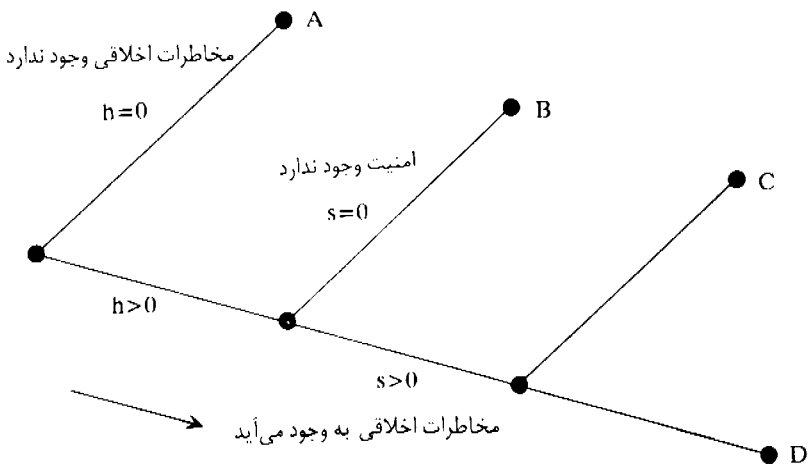
ضرورت داشت تا از تحلیل‌های مفهوم مقبول و مجاب‌کننده (و در برخی موارد مناسب) بنگاه به عنوان یک تابع تولید (که سازه‌های تکنولوژیک است) یا فراتر گذاشته شود و به عنوان یک ساختار اعمال مدیریت (که سازه و بنایی سازمانی است) که در آن ساختار درونی هدف و آثار اقتصادی دارد، نگریسته شود. به طور کلی‌تر نیاز این بود که خصوصیات شیوه‌های دیگر (بدیل) اعمال مدیریت در خصوص بازارهای نقد^۲، قراردادهای بلندمدت ناکامل، بنگاه‌ها، دوایر و غیره تعیین و تصریح شود. چه، اینها از لحاظ ساختاری متفاوتند. به دلیل این که شیوه‌های ژنریک (جوهری)^۳ اعمال مدیریت قوت و ضعف‌های خاص خود را داشت، جایی برای هر روش وجود داشت، در عین این که حفظ سایر روش‌ها در جایگاه خودشان ضروری بود. برای آنها منطق آرایش تبعیضی که قبلاً اشاره کردم کاربرد پیدا می‌کند.

به یک روش پژوهشی^۴، انتخاب ساختار اعمال مدیریت از بازار، به سلسله مراتب از طریق حرکت‌های متوالی نشان داده شده در نمودار ۳-۱ (که در آن h نشان‌دهنده مخاطرات قراردادی و S نشان‌دهنده پوشش و حفاظ امنیتی^۴ است)، حرکت می‌کند.^(۵) این نمودار می‌تواند به عنوان یک حرکت از مقوله‌های ساده به پیچیده تفسیر شود. بنابراین ما با یک قرارداد مستقل که به لحاظ مسائل حقوقی و اقتصادی ایده‌آل است شروع می‌کنیم: "هشیارانه با توافق روشن و صریح وارد و هشیارانه با عملکردی روشن خارج شوید"^(۶) (مک‌نیل، ۱۹۷۴، ص. ۷۳۸). این الگوی فکری مبادله منتزعه و منفصل وقتی که مخاطرات ناشی از قرارداد ظاهر می‌شود تحت فشار قرار می‌گیرد (کارایی خود را از دست می‌دهد). برای مثال ناتوانی دادگاه‌ها برای اثبات این که دانش (اطلاعات) مشترک بین دو طرف یک معادله چیست (ویلیامسون، ۱۹۷۵، ص. ۳۰)، می‌تواند موجب حرکت از یک سازمان بین بنگاهی^۵ به یک سازمان درون بنگاهی^۶ شود. سایر منابع خطر

1. Generic
2. Discriminating Alignment
3. Heuristic
4. Safeguard
5. Interfirm
6. Intrafirm

ناشی از قرارداد، شامل وابستگی دوجانبه (به دلیل داریی‌های غیرقابل انتقال)، حقوق مالکیت ضعیف (مخصوصاً حقوق مالکیت فکری^۱)، عدم افشای کیفیت، بهداشت و مخاطرات امنیت^۲، عدم صداقت^۳ و مانند اینها می‌شود. چنین مخاطراتی تمامیت قراردادی (بیکارچیگی قراردادی) را از بین می‌برد و اجازه ظهور به تنگناها، سوءتطبیق‌ها و انحرافات سرمایه‌گذاری می‌دهد. اینجا مانند هر جای دیگر عدم کارایی نیاز به جبران دارد. کاهش خطرات به صورت هزینه - اثربخشی^۴ از طریق اعمال مدیریت بیشتر، ممکن می‌گردد.

نمودار ۱-۳. نمودار ساختار اجرا از بازار تا سلسله مراتب



- A: بازار خالص، معاملات عمومی
 B: مخابرات گریزناپذیرند
 C: تعهدات معتبر
 D: بیکارچیگی

1. Intellectual
2. Safety Hazard
3. Failures of Probity
4. Cost - Effective

حرکت از اعمال مدیریت ساده به پیچیده مستلزم معرفی خصوصیات (تأمینی) بیشتر، کاهش شدت انگیزه و تحمیل هزینه‌های بوروکراتیک بیشتر است. بنابراین حرکت از قراردادهای ساده (انتزاعی) به قراردادهای پیچیده (ناکامل بلندمدت) مجموعه‌ای از عوارض را به دنبال خواهد داشت، طول قرارداد افزایش می‌یابد، مجازات‌ها برای ممانعت از نقض^۱ پیمان افزوده می‌گردد، تدارک^۲ برای افشا و پردازش بیشتر اطلاعات صورت می‌گیرد و مکانیزم‌های تخصصی حل اختلافات ظاهر می‌شود.

مکانیزم‌های اضافی شامل استفاده از سیستم ارشدیت و سلسله مراتبی^۳ جهت تأثیرگذاری بر هماهنگی و تصمیم‌گیری نسبت به اختلافات از طریق صدور احکام مدیریتی^۴، زمانی که معاملات مجزا و به مالکیت واحدی (بنگاه) منتقل می‌شود مطرح می‌گردد. با این دلیل که قبول^۵ جنبه‌های تأمینی بیشتر همیشه همراه با هزینه است، لذا شیوه‌های پیچیده‌تر اعمال مدیریت برای آن دسته از معادلاتی که قراردادهای مخاطره‌آمیز دارند، به خدمت گرفته می‌شود.

در این شما از امور، دوایر عمومی آخرین پناه‌گاه است: بازارهای نقدی را آزمون می‌کند، قراردادهای بلندمدت ناقص را اجرا می‌کند، بنگاه‌هایی را به وجود می‌آورد^۶، مقررات را به آزمون می‌گذارد و جایگاهی برای هریک از موارد فوق در دوایر عمومی رزرو می‌کند و برای زمانی که همه امور دیگر دچار نارسایی شده و یا شکست می‌خورد، باید توجه داشت که این رو کردن دوایر عمومی به این دلیل که آنها انگیزه‌های کم قدرت^۷، قواعد و مقررات زیاد و امنیت شغلی بیشتری در مقایسه با بنگاه‌های معادل دارند ضرورت وجودی آنها را کمرنگ می‌کند. این ویژگی‌ها عامدانه برای دوایر عمومی به منظور متناسب شدن برای اعمال مدیریت بر برخی (مخصوصاً مبادلات مشکل) مبادلات ساخته شده‌اند.^(۶) با وجود این مراقبت و نظارت دقیق^۸ مورد نیاز است تا مبادا در دوایر دولتی افراط شود.

1. Deter Breach
2. Provision
3. Hierarchy
4. Fiat
5. Compliance
6. Spot Market
7. Lower – Powered Incentives
8. Vigilance

اگر اقتصاد هزینه مبادلاتی تغییرات تعداد اندکی از موضوعات کلیدی را بتواند مورد بررسی قرار داده و به اتمام رساند، در این صورت این الگو که در ابتدا برای کمک به روشن ساختن اعمال مدیریت برخی از ارتباطات قراردادی در مبادلات بازارهای محصولات واسطه‌ای طراحی شده بود باید بتواند با تغییراتی در سایر طبقات^۱ مبادلات نیز مواجه شده و به کار گرفته شود که البته انجام‌پذیر است.

چهار شاخه با توجه به مبادلات محصولات واسطه‌ای فوق می‌تواند تفسیر شود. بازارهای کالاها و نهایی و مبادلات تأمین و آماده‌سازی کالا و خدمات دولت را در نظر بگیرید.

مبادلات در بازارهای کالاها و نهایی که در آن مصرف‌کنندگان فردی، خریداران هستند مشابه اما متفاوت است. مبادلات شاخه A ریشه‌ای و بنیانی بوده و به طور رقابتی سازمان‌دهی شده‌اند. مبادلات شاخه B نادر هستند. این مشابه مثال "P.T. Barnum" است - هر دقیقه یک کودک متولد می‌شود یا یک دهان به روی جهان باز می‌شود - و دیگر مبادلات در حاشیه قرار می‌گیرد. شاخه C شاخه تعهدات معتبر است. مارک تجاری^۲ در ترکیب با آثار خوشنامی و اعتبار و تضمین محصول (کالا) ظاهر می‌شود. همچنین برای برخی مبادلات انحصار طبیعی، مقررات کالاها و خدمات عمومی^۳ در خدمت اهداف اعتباری و شهرت قرار می‌گیرد. شاخه D تقریباً یک مجموعه خالی است. صرفه‌های مقیاس و صرفه‌های تخصصی شدن موانعی برای مصرف‌کنندگان خودکفا^۴ هستند اگرچه سازمان اشتراکی (تعاونی‌های مصرف) می‌تواند برای مدیریت کردن برخی مبادلات مجادلات مورد استفاده قرار گیرد (برخی خدمات خانوار می‌تواند خودکفا تلقی شود اما تعداد بسیار کمی به راحتی در طرح مذکور می‌گنجد).

مبادلات تملیکی و تأمینی دولت نیز مشابه اما متفاوتند. شاخه A مشخص‌کننده مبادلات ریشه‌ای و بنیانی است که اغلب برای آن مشخصه‌های تکنیکی سختی مورد عمل قرار می‌گیرد. مبادلات دولتی خیلی کمی از نوع B هستند. مکانیزم‌های اعتباری در شاخه C شامل ساز و کار توصیفی "قرارداد اداری" مانند تأمین دفاع (که برخی مبادلات آن بعضی اوقات با مصالحه منافع

1. Classes
2. Branding
3. Public Utility
4. Own Supply

مشترک آژانس دولت و عرضه‌کننده خصوصی انجام می‌گیرد). و شاخه D دوایر عمومی است که در آن به منظور عدم تخلف یا به دلایل سیاسی دولت مبادلات را خود مدیریت می‌کند. کاربرد دیگر این طرح شامل روابط اشتغال^۱ و چگونگی تأمین مالی شرکت (انتخاب بدهی و انتشار سهام) است. برخی مبادلات مانند سرمایه‌گذاری مشترک و فعالیت‌های اتکایی^۲ دارای پیچیدگی‌هایی از نوع قرارداد عدم تعادلی^۳ هستند که فراتر از حوزه این طرح می‌باشد.

عملیاتی کردن. برخی ایده‌های خوب در ابتدا به صورت همان‌گویی‌ها^۴ بیان می‌شود که کوز (۱۹۸۸، ص. ۱۹) آن را به صورتی غیرمتعارف^۵ به "قضایای کاملاً درست" تعبیر می‌کند. برای این که همان‌گویی‌های خوب، ذهن را برای مسائلی که استدلال آوردن برایش سخت است باز می‌کند، آنها سزاوار توجه هستند. با وجود این باید مراقب بود تا مبادا به ذهن‌گرایی‌هایی^۶ دچار شویم که میچل^۷ بدان اشاره کرده است.^(۷) - سرنوشتی که سبک قدیم اقتصاد نهادگرایی و همچنین رئالیسم قانونی آمریکا^۸ به آن دچار شده است. ما نیاز به طرح این پرسش داریم که مکانیزم‌هایی که یک نظریه پیشنهادی از طریق آنها عمل می‌کند چه هستند و الزامات ابطال‌پذیر کدام‌ها هستند.

تلاش برای عملیاتی کردن ایده‌های قابل اتکا^۹ دارای هر دو جزء نظری و تجربی است. قسمت نظری اغلب شکل پیش‌رونده‌ای از شیوه‌های تحلیل شیوه‌های تحلیل غیررسمی به پیش‌رسمی، نیمه رسمی و کاملاً رسمی به خود می‌گیرد - به طور ایده‌آل در این فرایند ارزش نوی را تحصیل می‌کند. چنین تلاشی به تفکیک و دسته‌بندی گوسفندها و بزها کمک می‌کند. نیکلاس گئورگسکو - روژن (۱۹۷۱، ص. ۳۷) به شیوه زیبایی آن را ادا می‌کند: اگر چه "هدف علم پیش‌بینی نیست و دانش فی‌نفسه مطلوب است." با وجود این، پیش‌بینی "محک دانش

1. James Baron and Kreps 1999, ch.4

2. Alliances

3. Williamson 1991

4. Tautologies

5. Wryly

6. Speculation

7. Wesley

8. American Legal Realism

9. Promising

علمی است". این طور نیست که تئوری‌های فاقد محتوای پیش‌بینی باید به نفع آنهايي که فرایند سخت صورت‌گرایی و آزمون‌های تجربی را پشت‌سر گذاشته‌اند کنار گذاشته شود.

طراحی و توسعه نظریه. فرمالیزه کردن و صورت‌گرایی برای یک دستورکار^۱ تحقیق، حیاتی است. اما برخی اوقات پرهزینه است. بنابراین اگر چه سیمون (۱۹۵۷، ص. ۸۹) سابقاً گفته است که "بیان ریاضی مطالب خود یک مساعدت اساسی به نظریه است ... چرا که استدلال شفاف‌تر و دقیق‌تری را در مورد پدیده‌های بسیار پیچیده که با الفاظ قابل انجام نیستند ممکن می‌سازد. و درنهایت اظهار کرده است که "فقر ریاضیات یک فقر صادقانه است که معنای موهومی را در برابر جهان به نمایش نمی‌گذارد". (۱۹۵۷، ص. ۹۰). وقتی مطلب با بیان ریاضی آورده می‌شود باید احتیاط شود که ویژگی‌های اصلی کنار گذاشته نشود یا رنگ ابهام نگیرد. درحال نارس بودن^۲ نظریه‌های فرمال در مراحل اولیه یک واقعیت است. کریس (۱۹۹۹، ص. ۱۲۲) به شرح زیر به این مطلب اشاره می‌کند:

اگر بازارها و سلسله مراتب^۳ به بیان تئوری بازی‌ها بدل شوند و با استفاده از مفاهیم اقتصاد اطلاعات تبیین گردند، تأویل ضعیفی خواهد بود ... به طور خاص نظریه مبتنی بر ریاضیات هنوز فاقد گویایی لازم برای بیان نام و تمام عقاید عقلانیت محدود است که برای ... اقتصاد هزینه‌های مبادلاتی و شکل قراردادی اساسی است. هرکس که به ترجمه‌های ریاضی صرف تکیه می‌کند، مقادیر زیاد و ارزشمند مطالب اصلی اولیه را از دست می‌دهد.

چیزی که از آن تحت عنوان "حقوق مالکیت بنگاه" یاد می‌شود، که از آثار سنفورد گروسمن و اولیور هارت (۱۹۸۶) سرچشمه می‌گیرد و سپس به وسیله هارت و جان مور بسط و گسترش می‌یابد (و به مدل‌های GHM شهرت دارد)، پس مدل GHM مرتبط با بدنه اقتصاد هزینه مبادلاتی (برای مثال آن‌گونه که به وسیله ویلیامسون در ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ مطرح گردیده است) است. اما تفاوت اساسی با آن دارد. شباهت آن به این لحاظ است که تصمیم ساخت - یا - خرید^۴

1. Agenda
2. Prematurely
3. Hier Archies
4. Make - or - Buy

را در چارچوبی که قراردادها را ناقص فرض می‌کند، (به دلیل عقلانیت محدود)، مورد بحث قرار می‌دهد. وعده دادن صرف نمی‌تواند برای غلبه قرارداد ناپذیری^۱ (به دلیل فرصت‌طلبی)، مورد استفاده قرار گیرد و طرفین قرارداد وابستگی دوجانبه دارند (به دلیل ماهیت اختصاصی دارایی‌ها). به رغم این اشتراکات، تفاوت‌های عمده نیز وجود دارد.

برخی از تفاوت‌ها را می‌توان به ساده‌سازی‌هایی که به طور اجتناب‌ناپذیر متوجه مدل‌سازی فرمال است نسبت داد. در شرایط ایده‌آل خصوصیات هسته‌ای مباحث شفاهی و مکانیزم‌هایی که از طریق آنها کار عملی می‌شود از فرایند فرمالیزه کردن خیلی دقیق‌تر انجام‌پذیر است. یک چنین موردی می‌تواند برای نظریه حقوق مالکیت بنگاه انجام‌پذیرد که یک دستاورد روشنفکرانه است و موجب خلق ادبیاتی پویا در زمینه مدل‌سازی رسمی قراردادهای ناقص گردیده است.^(۸) با وجود این، همان‌طور که کریس اشاره دارد قسمت‌های ارزشمند از قلم افتاده است. در اینجا در فضایی شفاف به موارد فوق می‌پردازیم.

مهمترین تفاوت تبعی بین مدل‌های TCF و GHM این است که اولی اعتقاد دارد ناسازگاری (سوء تطبیق) در طی دوره اجرای قرارداد منشأ اصلی ناکارایی است، درحالی‌که GHM سوء تطبیق واقعی^۲ قراردادهای با فرض دانش مشترک و چانه‌زنی بدون هزینه در جریان قرارداد نادیده می‌گیرد. نتیجه این که همه عدم کارایی در GHM بر سرمایه‌گذاری انتظاری^۳ در دارایی‌های انسانی (که مشروط به مالکیت دارایی‌های فیزیکی است) متمرکز است.^(۹)

این انتقال و پرش از سوء تطبیق واقعی (خطرات ناشی از آن که با شرایط کاربرد اختصاصی دارایی و اختلالاتی که در مبادلات موضوعیت پیدا می‌کند، متفاوت است) به الزامات در سرمایه‌گذاری انتظاری بسیار بااهمیت است. از یک طرف GHM ارتباط خیلی محدودی با داده‌های آماری^(۱۰) برقرار می‌کند درحالی‌که (همان‌طور که ذیلاً بحث شده است) TCE یک مقوله موفق تجربی است.

اعمال مدیریت واقعی مرتبط و تفاوت‌های سرمایه‌گذاری انتظاری به شرح زیر است:

1. Noncontractibility
2. Ex Post
3. Ex Ante

(۱) روایت و تفسیر^۱ TCE از مقوله تصمیم "ساخت - یا - خرید" بین مراحل متوالی (A و B) به دنبال این پرسش است. A و B باید به طور مجزا مالکیت و عمل شود یا مالکیت و عملیات این دو مرحله می‌باید یگانه و واحد باشد. اگر گزینه استقلال و جدایی پیش گرفته شود، در این صورت هر مرحله دریافتی‌های خالص خود را کارسازی^۲ می‌کند (انگیزش‌های قدرتمندی شکل می‌گیرد). اما مسائل سوء تطبیق می‌تواند در طی مراحل اجرای قرارداد بروز کند. اگر مالکیت واحد باشد در این صورت دو مرحله از طریق سلسله مراتب به صورت هماهنگ مدیریت می‌شوند (مسائل سوء تطبیق رنگ می‌بازند). (البته انگیزه‌ها ضعیف می‌شوند و هزینه‌های اداری بیشتر ایجاد می‌شود). در مقابل GIM ادغام عمودی را جهت‌دهی می‌کند، بدین ترتیب که A، B خرید B می‌داند یا A، B را بخرد. و این مهم است که کدام یک از موارد فوق اتفاق افتد. دلیل آن این است که مالکیت مشترک تحت GIM لزوماً مدیریت واحد نیست. در عوض هر مرحله (در تمامی اشکال - استقلال A و B؛ A، B را بخرد؛ A، B را خریداری کند) دریافتی‌های خالص خود را کارسازی می‌نماید. این مورد آخر شرایط خیلی غیرمعمولی است که در آن مالکیت واحد معمولاً ابزاراری برای تحت تأثیر قراردادن همکاری تلقی می‌شود.^(۱۱)

(۲) TCE برای ایده است که هر کدام از شیوه‌های بنیانی اعمال مدیریت - بازار نقد، قرارداد بلندمدت ناقص، بنگاه، دواپر و غیره - با مجموعه‌ای از خصیصه‌های بازار تعریف می‌شود که براساس آنها ضعف و قوت‌هایی برایشان متصور است. به ویژه TCE مدعی است که شیوه‌های بدیل در شدت انگیزش، کنترل‌های اداری (شامل حساسرسی قانونی، حسابداری و انتقال قیمت‌ها^۳)، دسترسی به دادگاه‌ها و روابط با سازمان‌های غیررسمی (شامل بازی‌های سیاسی) متفاوتند. GIM فرض می‌کند شدت انگیزش، کنترل‌های اداری و سازمان‌های غیررسمی با مالکیت تغییر نمی‌کند و مسئله دادگاه‌ها بی‌مورد است (زیرا مذاکرات محدود بدون هزینه است). بنابراین هیچ‌کدام از مقوله‌های بهره‌برداری از دارایی‌های فیزیکی و اختلال‌های حاصل از انتقال قیمت‌ها که من به "عدم امکان مداخله گزینشی" ازنساط داده‌ام (ولیاامسون، ۱۹۸۵، صص. ۱۳۵-۱۴۰)، تحت تنظیمات^۴ GIM اتفاق نمی‌افتد.

(۳) TCE دامنه‌ای وسیع از ابزارهای واقعی را برای القای تعهدات معتبر در قراردادهای مورد سنجش قرار می‌دهد و این استدلال را برای مجموعه وسیعی از مبادلات به کار می‌گیرد. تنوع‌ها در این مباحث، شیوه‌های ترکیبی^۵ سازمان (ماستن، ۱۹۹۶، قسمت سوم)، توافقات

1. Rendition
2. Appropriate
3. Transfer Pricing
4. Set up
5. Hybrid

معاملاتی و دیگر ابزارهای تضمینی برای حمایت معاملات، سازمان کار، به طور عام‌تر سازمان نیروی کار و منابع انسانی، اعمال مدیریت شرکت، مقررات (و مقررات‌زدایی)، دوایر عمومی و تأمین مالی پروژه‌ها را شامل می‌شود. برای این که تمرکز GIIM بر حقوق مالکیت است و حقوق مالکیت ساز و کار (هولمنسروم، ۱۹۹۹) مربوط به برخی از این امور، نه همه آنها و برخی دیگر به صورت خیلی گزینشی است.^۱

با وجود این، GIIM، سهم علمی پیشرو محسوب می‌شود و مدل‌سازی فرمال قرارداد ناقص را نظم داده است. مدل‌های رسمی جدید قراردادهای ناقص که ماهیتاً نزدیک به TCE هستند دربرگیرنده بحث نحوه تهیه توسط پاتریک باجاری و استیون تیدلیس (۱۹۹۹) می‌باشند که روی انگیزه تفاوت‌های تطبیق واقعی بین قراردادهای قیمت ثابت و قراردادهای با احتساب مازاد هزینه متمرکز می‌شود. همچنین مقاله اخیر به وسیله ساشنگ وانگ و تیان ژو (۲۰۰۰) این ایده را که شیوه‌های مختلف اعمال مدیریت در رژیم‌های حقوقی قراردادهای مختلف کار می‌کند، مورد استفاده قرار داده است (ویلیامسون، ۱۹۹۱). جن گراسمن و ال هنان هلپ‌من (۱۹۹۹) به هزینه‌های اداری بیشتر اعمال مدیریت واحد در مقابل بازار برای ارزیابی شیوه‌های مختلف تولید کالاهای مصرفی مجزا متوسل می‌شوند. بحث‌های مربوط به تصمیم‌گیری درست در باب قراردادهای ناقص در جریان است و هنوز خیلی‌ها در انتظار هستند.^(۱۳)

تجربی. برخی به مقوله پیش‌بینی خرده می‌گیرند به طور مستند با این ایده که پیش‌بینی آسان است. همچنین وقتی که هر کس می‌داند "بازی با داده‌های آماری و غیرواقعی نشان دادن آن آسان است" پس چه هدف مفیدی برای آزمون تجربی متصور است؟ ویلیامسون ایده متفاوتی در این خصوص دارد: پیش‌بینی یک استاندارد خواستنی و موردنیاز است، به همین دلیل است که تئوری‌های بسیاری با قابلیت برآورد غیرعمیق^۲ و سطحی باقی می‌مانند و تأیید منطقی آنها مشکل است، و این توجیهی بر این حقیقت است که پیش‌بینی‌های معدودی مورد آزمون قرار می‌گیرد.

چرا که تئوری‌های خوب به ندرت در آغاز به طور کامل پردازش^۳ می‌شوند، تئوری و شواهد

اغلب تعاملی هستند. همان‌طور که آن نیویل (۱۹۹۰، ص. ۱۴) بیان می‌کند:

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: Hart 1995; Andrei Shleifer, and Robert Vishny 1997.

2. Excogitate

3. Developed

نظرات انباشته می‌شود. این نظرات پالایش یافته و مجدداً صورت‌بندی^۱ و تقریر می‌شوند. بنابراین، ما در دنیای پویای زندگی نمی‌کنیم ... (نظریات) با یک ضربه و نیز ابطال کنار گذاشته نمی‌شوند ... نظریات خیلی شبیه دانشجویان دوره‌های عالی (کارشناسی ارشد و دکتری) هستند که وقتی پذیرفته شدند اخراج آن مشکل است ... نظریات مقوله‌هایی هستند که با پرورش و تحول باید ساخته و آب دیده شوند.

ایده‌های خوب اما ناپخته مشخصاً^۲ مانند ذهن‌های خوب اما پردازش نشده^۳ است: که هر دو چیزهای ارزشمندی هستند. برای این که توسعه هزینه‌بر است، نظریات قابل اتکا، به مانند دانشجویان دوره عالی قابل اتکا و باقابلیت فقط وقتی پذیرفته می‌شوند که آستانه‌ای را پشت‌سر گذاشته باشند. زمانی که پذیرفته شدند، نظریات (و دانشجویان دوره عالی) به طور فزاینده‌ای رشد و تکامل می‌یابند - حرکت از مراحل کمتر رسمی به مراحل رسمی‌تر توسعه - بالأخره، به مانند دانشجویان دوره‌های عالی مستعد، همه تئوری‌ها به طور نامحدودی مورد احترام نخواهند بود: برخی از آنها کنار گذاشته می‌شوند. مخصوصاً نظریاتی که همان گویانه باقی می‌مانند یا پیش‌بینی‌هایی به دست می‌دهند که با داده‌های آماری تناقض دارد. باید راه را برای تئوری‌هایی که پیش‌بینی‌های مؤید و سازگار با داده‌های آماری ارائه می‌کنند باز نمایند.

کاربردهای تجربی اقتصاد هزینه مبادلاتی در آمریکا در دهه ۱۹۸۰ آغاز به کار کرد و از آن زمان به طور نمایی رشد کرد. تعداد تحقیقاتی منتشر شده متجاوز از ۵۰۰ اثر بوده است که دربرگیرنده دانشمندان علوم اجتماعی در اروپا، ژاپن، هند، چین، مکزیک، آمریکای جنوبی، استرالیا و نیوزلند است و این فهرست دائماً گسترش می‌یابد. اگر نظریه و شواهد با هم سازگاری و سنخیت نداشتند، رشد آثار مذکور این‌گونه نبود (ماستن، ۱۹۹۵).^۴

1. Formulated
2. Evidently
3. Underdeveloped

۴. تحقیقات تجربی اخیر آثار زیر را شامل می‌شود:

Howard Shelanski and Peter Klein (1995), Bruce Lyons (1996), Keith Crocher and Masten (1996), and Aric Rindfleisch and Jan Heid (1997).

نه تنها این تحقیقات به طور وسیع مؤید پیش‌بینی‌های اقتصاد هزینه مبادلاتی بوده است، بلکه اهمیت ریسک‌گریزی در قراردادهای بازرگانی مورد شک و تردید قرار گرفته است (آلن و لوک، ۱۹۹۹).^۱ با اطمینان می‌توان گفت که اقتصاد هزینه مبادلاتی مانند هر نظریه دیگر از کار تجربی بیشتر منتفع خواهد شود. بنابراین، من هیچ تردیدی در اعلام این که NIE یک داستان موفق تجربی بوده است ندارم. پائول جاسکو (۱۹۹۱، ص. ۸۱) این نظر را مورد تأیید قرار می‌دهد. "این کار تجربی در وضعیت خیلی بهتری نسبت به بسیاری از کارهای تجربی در سازمان صنعتی به طور عام است".^۲ آنهایی که این تعديلات را به صورت معتدل، آرام، تفصیلی و تشریحی به انجام رسانده‌اند استحقاق اعتبار و احترامی فوق‌العاده را دارند.^(۱۳)

۴. پدیده‌ها

اقتصاد نهادگرایی جدید به طور عمده علاقه‌مند به سطوح ۲ و ۳ از چهار سطح تحلیل اجتماعی نشان داده شده در نمودار ۲-۱ است. اینها به ترتیب سطوح محیط نهادی و نهادهای اعمال مدیریت‌اند. در بین این سطوح دو سطح ذکر شده زمینه‌های زیادی را پوشش می‌دهند. خصیصه‌های رسمی (فرمال) محیط نهادی شامل قوانین، سیاست، امور قضایی و بوروکراسی در بررسی توسعه دولت‌های ملی^۳ و برای انجام مقایسه بین زمانی و مقطعی بین دولت‌های ملی حیاتی هستند. درحقیقت این مرحله تبدیل به مبحثی رشد‌یابنده شده است که اقتصاددانان متعددی که فقط در ارتباط با اقتصاد نهادگرایی جدید بودند سهمی در توسعه آن داشتند. با وجود این لازم به ذکر است که اقتصاد نهادگرایی جدید بیشتر کارهای پیشرو را در این زمینه به انجام رسانده است.

تکرار می‌کنم هر موضوعی که شبیه به امور قراردادی است یا می‌توان با آن برخوردی مشابه امور مذکور داشت، می‌تواند از دیدگاه مزیت شرایط اقتصاد هزینه مبادلات مورد ارزیابی قرار گیرد.

1. Douglas Allen and Dean Lueck 1999.
2. Nation States

مثال‌هایی که برای آنها امور قراردادی از آغاز روشن و قابل اعمال هستند شامل قراردادهایی برای کالاهای واسطه‌ای، نیروی کار، کالاهای نهایی و خدمات، اجاره یا رهن^۱ یا خرید زمین، تجهیزات و ساختمان، خدمات حرفه‌ای، ازدواج و غیره هستند. به علاوه حتی اگر خصیصه‌های قراردادی به سرعت در ابتدای امر روشن نباشد، امور متعددی می‌تواند تقریر و صورت‌بندی مجدد^۲ گردد به طوری که کیفیت قرارداد گونه خود را آشکار کند. انتخاب بین بدهی و انتشار سهام، مسئله انحصار^(۱۴) و شرکت‌های چند ملیتی مثال‌هایی از این دستند.^۳

به علاوه برخی امور سیاست‌گذاری عمومی به استفاده ترکیبی از استدلال‌های سطوح ۲ و ۳ مربوط می‌شود. برای مثال در زمینه خصوصی سازی ارتباط راه دور، لوی و اسپیلر محیط نهادی را در پنج کشور از نظرگاه قراردادی مقایسه‌ای^۴ که در آن خصیصه‌های مربوط به اعتبار قرارداد مشخص می‌شود، بررسی می‌کنند (۱۹۹۶ و ۱۹۹۴). مطالعه اخیر اصلاح سیستم آب شهری به وسیله کلود مینارد و مری شرلی (۱۹۹۹) آشکار می‌سازد که مقوله مالکیت عامل تعیین‌کننده^۵ نیست، بلکه الزامات می‌باید در پیوستگی با حمایت یا نبود آن در مکانیزم‌های اعمال مدیریت ریشه‌یابی شود. ملاحظه می‌شود که مجدداً مسئله اعتبار قراردادها مورد توجه است. این امر در خصوص قراردادهای بازرگانی در ویتنام نیز صادق است.^۶

به رغم حصول دستاوردهای وسیع، اقتصاد نهادگرایی جدید، یک ساز و کار همه‌کاره نبوده و ادعای آن را نیز ندارد، همان‌گونه که اصلاح اقتصادهای اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق نشان می‌دهد. بر همین اساس کوز در سخنرانی جایزه نوبل خویش اشاره می‌دارد که:

1. Kease
2. Reformulated

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Petter Buckley Mark Casson 1976; Hubert Gatignon and Erin Anderson 1988.

4. Comparative Contractual
5. Determinative

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: John Mcmillan and Christopher Woodniff 1999.

ارزش در نظر گرفتن و گنجانیدن ... عوامل نهادی در مجموعه ادبیات اقتصاد غالب با وقایع اخیر در اروپای شرقی آشکار می‌شود. به این کشورهای کمونیستی سابق توصیه شده است که به سمت اقتصاد بازار بروند و رهبران آنها تمایل داشتند متابعت کنند، اما بدون شکل‌گیری نهادهای مناسب، هیچ اقتصاد بازاری از هیچ درجه اهمیتی قابلیت ظهور ندارد. بنابراین اگر ما اقتصاد خودمان (ماهیت نهادی آن) را بهتر می‌شناختیم، در موقعیت بهتری برای مشاوره دادن به آنها می‌بودیم.

دو سال بعد نورث در سخنرانی جایزه نوبل خود، هشدارهای مشابهی ارائه کرد. بنابراین حتی اگر ما مطمئن باشیم که "امور سیاسی به طور مؤثری عملکرد اقتصادی را شکل می‌دهد، به این دلیل که آنها قواعد اقتصادی را تعریف و اعمال می‌کنند"، تا آنجا که "قسمتی اساسی از سیاست‌های توسعه ایجاد آن دسته امور سیاسی است که حقوق مالکیت کارا را عملی و انجام‌پذیر نماید." مسئله دیگری که وجود دارد و "ما در مورد آن دانش بسیار کمی داریم، این است که چگونه می‌توان مسائل سیاسی را خلق نمود" (نورث، ۱۹۹۴، ص. ۳۶۶).

بنابراین، رخدادهای واقعی زمان نمی‌تواند کنترل شود. تصمیمات سختی باید اندیشیده و گرفته شود. همانند اصلاحات در روسیه. تیم ماکسیم بویکو، آندری اشلیفر و رابرت ویشینی به نیاز ادارک شده پاسخ می‌دهند و برای شکل دادن به اصطلاحات این توصیه را که اقتصاد روسیه باید به سرعت و وسعت خصوصی شود، ارائه می‌دهند. در این راستا ملاحظات مشرب واقعی سیاسی و نظریه اقتصادی هر دو در تمامیت از این توصیه به خدمت گرفته شدند.

توافق جامع و فراگیر بر این بود که "نفوذ و غلبه سیاسی بر زندگی اقتصادی علت اساسی عدم کارایی اقتصاد (در روسیه) بود". بویکو، اشلیفر و ویشینی (۱۹۹۵، ص. ۱۱) اظهار می‌کردند که:

... هدف اصلی اصلاحات، سیاست‌زدایی از زندگی اقتصادی بود ... خصوصی‌سازی سیاست‌زدایی را تقویت می‌کند زیرا آن سیاست‌مداران را از فرصت‌های تخصیص کالاها محروم می‌سازد ... هدف خصوصی‌سازی تحکیم پیوند بین مدیران مؤسسات و سیاست‌مداران بود ... راه دیگری برای نیل به تجدید ساختار و فعالیت کارایی نگاه‌ها نبود.

در این برنامه اصلاحات دو بازیگر استراتژیک حضور داشتند. اول بوروکراسی رسمی که به عنوان "دشمنی که با هر هزینه‌ای باید با آن مبارزه کرد" و دوم صاحبان امتیاز^۱ - نظیر مدیران، کارکنان و دولت‌های محلی بودند. تیم بویکو و دیگران "به صورت سازگار و سخاوتمندانه‌ای ادعاهای مالی صاحبان امتیاز را مورد قبول قرار داده و به این ترتیب حمایت نهایی آن را از خصوصی‌سازی جلب نمودند" (بویکو، اشلیفر و ویشنی، ۱۹۹۵، صص. ۱۳-۱۴).

نسخه سیاسی برای خصوصی‌سازی سریع و وسیع به وسیله تئوری اقتصادی بنگاه که تیم بویکو و دیگران متکی بر آن بودند، تقویت شد. به طور مشخص آنها به کار فوق‌الذکر گراسمن و هارت (۱۹۸۶) که مالکیت را به عنوان سیستم حقوق کنترلی در نظر می‌گیرد و وظیفه مناسب حقوق مالکیت را به عنوان عاملی تعیین‌کننده می‌داند، متوسل شدند (بویکو و اشلیفر و ویشنی، ۱۹۹۵، ص. ۱۳). بنابراین فرض شده بود که با خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی تجدید ساختار مؤثری توسط صاحبان جدید دنبال خواهد شد (ص. ۱۵۰). با این اطمینان که آینده از خود مراقبت خواهد کرد، برنامه خصوصی‌سازی وسیع که در بهار ۱۹۹۲ آغاز شده بود مطابق با برنامه و انتظارات قبلی به "تکامل پیروزمندانه" خود در ژوئن ۱۹۹۴ رسید (ص. ۸)، که در آن تاریخ، دو سوم صنایع روسیه به مالکیت بخش خصوصی درآمد.

اگر تیم بویکو و دیگران اقتصاد نهادگرایی جدید را به مشاوره می‌گرفتند، برنامه‌ای احتیاطی‌تر و گزینشی‌تر برای خصوصی‌سازی با توجه بیشتری به مسائل اجرایی و کاربردی می‌توانست حاصل شود. ابتدا زمینه‌های مطالعاتی نسبت به مزایده حق امتیاز برای انحصار طبیعی را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم، خواهیم دید که رویکرد حقوق مالکیت و رویکرد اعمال مدیریت نتایج متفاوتی را در خصوص مقوله مذکور به دست می‌دهند.

روش حقوق مالکیت برای مسئله انحصار طبیعی به یک مزایده انتظاری منجر می‌شود که در این مزایده حقوق به کسی تعلق می‌گیرد که بیشترین مبلغ را بپردازد.^۲ این موضوع با نگرش بویکو و همکارانش انطباق مفهومی دارد، بدین ترتیب که آینده از خود مراقبت خواهد کرد، وقتی که دارایی‌ها به این روش خصوصی شود.

1. Stake Holder

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: Demsetz 1968; George Stigler 1968; Richard Posner 1972.

آن ایده امیدوارکننده^۱ در یک آزمون دقیق وقتی که مشکلات اجرای واقعی در دورنمای آن پدیدار باشد تاب نخواهد آورد. در نگرش اعمال مدیریت پاداش فرانشیز انحصار نیاز به بررسی تطبیقی دارد. این مستلزم دورنگری و آشکارسازی مخاطرات قراردادی واقعی پسین و پس از آن اعمال طبقه‌بندی و اصلاح شیوه‌های بدیل اعمال مدیریت است (ویلیامسون، ۱۹۷۶، صص. ۷۹-۹۱). به دلیل این که مزایده حق الامتیاز برای برخی از انحصارات طبیعی خیلی بهتر از سایر انحصارات طبیعی کار خواهد کرد (ویلیامسون، ۱۹۷۶، صص. ۱۰۲-۱۰۳)، استفاده از مزایده حق الامتیاز برای صنایعی اختصاص داده خواهد شد که منافع خالص نسبی برای آنها قابل پیش‌بینی است. اما درغیراین شرایط روش مزایده حق الامتیاز توصیه نمی‌شود. لذا آشکار شد که خصوصی‌سازی راه‌حل همه منظوره نیست (گولدرگ، ۱۹۷۶؛ پرست، ۱۹۹۳).

اگر چه خصوصی‌سازی کلی یک اقتصاد خیلی جاه‌طلبانه‌تر از خصوصی‌سازی یک صنعت با ویژگی انحصار طبیعی است، با وجود این درس‌های کلیدی در طی آن آموخته می‌شود. مخصوصاً این که، خصوصی‌سازی می‌باید از مرحله پاداش انتظاری گذر نموده و بررسی مسائل اجرایی محتمل پسین همراه با ملاحظات مرتبط با مخاطرات متنوع را شامل شود، تا این که خصوصی‌سازی به صورت گزینشی دنبال شود.

به علاوه به خاطر آوری که اقتصاد نهادگرایی جدید در دو سطح کار می‌کند بسته به حرکت از سطح اعمال مدیریت به سطح محیط نهادی قواعد بازی بازبینی می‌شوند. مطالعه خصوصی‌سازی لوی و اسپیلر (۱۹۹۴ و ۱۹۹۶) درمورد صنعت ارتباطات دور در پنج کشور روشن می‌کند که تصمیم به خصوصی کردن و ماهیت خصوصی‌سازی به طور حساس به شرایط کیفیت استقلال قضایی، تقسیم قدرت بین شاخه اجرایی و قانون‌گذاری، صلاحیت بوروکراسی منظم‌کننده مقررات و امنیت قراردادی برمی‌گردد. آیا و چگونه باید ارتباطات راه‌دور را خصوصی کرد، باید مشروط به ویژگی‌های مورد اشاره باشد.

همان‌گونه که برنارد بلک، رینبر کراکمن و آنا تراسوا به تفصیل در مقاله‌شان تحت عنوان "خصوصی‌سازی روسیه و اعمال مدیریت: چه چیزی اشتباه بود" (۱۹۹۹)، "اتمام پیروز" خصوصی‌سازی در روسیه یک قضاوت ناپخته و زود هنگام بود.

بنابراین اگر چه خصوصی‌سازی به طور مشخص یک موفقیت برای بنگاه‌های کوچک بود برای سایر بنگاه‌ها عمیقاً مسئله‌ساز بوده و فساد گسترده‌ای را رایج نمود. به جای تکیه غیرضروری بر استدلال حقوق مالکیت انتظاری (پسین)، برخی از این مشکلات می‌توانست با دورنگری و بررسی مخاطرات واقعی (پیشین) اجرا و پیش‌بینی شود. درک بیشتر نقایص محیط نهادی در روسیه می‌توانست به اظهارنظرهای محتاط‌تری منجر شود. این که آیا احترام و عنایت اضافی به قواعد بازی (شامل تأیید و تمجید نسبت به اثربخشی محدود اعمال و اجرای قانون روسیه) می‌توانست منجر به بهبود قواعد در روسیه گردد، می‌تواند مورد مجادله و اختلاف‌نظر باشد. با وجود این با استدلال، این که تلاش برای اصلاح روسیه می‌توانست به یک روش خیلی معتدل، آرام، بخشی و جزئی و هدف‌دار و عامدانه دنبال شود.

هیچ کدام از نقدهای فوق به معنای این نیست که اقتصاد نهادگرایی جدید می‌توانست همه آنها را انجام دهد. تیم بویکو و دیگران تلاش مجدانه‌ای صورت دادند. ادعای من درخصوص اصلاحات موفق‌آمیز به روشی خیلی معتدل‌تر است: اقتصاد نهادگرایی جدید آگاهی‌دهنده است و می‌باید به عنوان قسمتی از برنامه‌های اصلاحات موردنظر قرار می‌گرفت.

۵. نتیجه‌گیری

اقتصاد نهادگرایی جدید یک کوره جوشان از عقاید است. نه تنها برنامه‌های تحقیقاتی نهادی درحال پیشرفت متعددی در جریان است، بلکه در بین بیشتر آنها دیدگاه‌های رقیبی وجود دارد. برای مثال، با مراجعه به تاریخ می‌بینیم که نورث (۱۹۹۰) و اونرگریف (۱۹۹۹) دستور کارهای مکمل اما مجزایی را توصیه می‌کنند. نهادهای ریشه‌دار (سطح ۱) قسمت مهم اما کمتر توسعه‌یافته مباحث اقتصاد نهادگرایی هستند. در درون اقتصاد هزینه مبادلاتی بین شاخه‌های اعمال مدیریت و سنج‌ها تمیز قائل می‌شویم. خصیصه‌های شیوه‌های مالکیت مختلط (هم‌پیمانی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، حق الامتیاز و مانند آن) همانند مکانیزم‌هایی برای حمایت از قراردادهای معتبر بین بنگاه‌های مستقل به صورتی ناقص کار شده‌اند. قراردادهای ناقص از نوع نیمه‌رسمی و کاملاً رسمی متفاوت هستند هرچند که شکاف بین آنها درحال پرشدن

است. اقتصاد تکاملی گزینش‌گر، قوم‌شناسی جمعیت و رشدشناسی درحال پیشرفت هستند. وابستگی مسیر یک شرط مهم و واقعی است اما تفسیر آن بحث‌برانگیز است. ارزشمندی خصوصی‌سازی واقعی است اما به یک شیوه محدود نمی‌شود و نیاز به بررسی با توجه به قواعد بازی و عمل به بازی دارد. بنگاه به طور متنوعی از جنبه‌های تکنولوژیک، قراردادی و کفایت یا دورنمای پایه‌ای دانش، توصیف شده است. این که چگونه به بهترین وجه بازیگران انسانی توصیف شوند هنوز به آن پاسخ داده نشده است، اگر چه روان‌شناسی تکاملی امیدهایی را با خود دارد. سیاست با ارجاع به ایده‌آل‌های فرضی توسط برخی (نورث، ۱۹۹۰) و در چارچوب اصطلاحات نهادی تطبیقی توسط برخی دیگر (ویلیامسون، ۱۹۹۹) مورد قضاوت قرار گرفته است. مباحث کارایی عمدتاً بر تفسیرهای قدرت غلبه داشته‌اند. چرا که دومی نوعی همان‌گویی است. اما مقوله قدرت از کنار رفتن امتناع می‌کند. بوروکراسی به عنوان شرایطی مبهم باقی می‌ماند. صرف‌نظر از این که با چه زاویه به آن نگریسته شود، نگرش‌های نظم خصوصی برای عقد قرارداد پیشرفت چشم‌گیری یافته است، اما قواعد قانونی مهم باقی مانده و ارتباطشان با نظم خصوصی به صورتی ناقص کار شده است. نظریه سیاسی اثباتی پیشرفت‌های مفهومی عمده‌ای یافته است، اما یک درک غالب و چشم‌گیر از مقوله‌های سیاسی، قریب‌الوقوع به نظر نمی‌رسد.

نکته مهم این که، با وجود موفقیت‌های متعدد، در هر حال کارهای ناتمام زیادی نظیر پالایش‌ها، تصمیم‌ها، کاربردها، ایده‌های خوب بیشتر، آزمون‌های تجربی، نظریه رسمی بیشتری وجود دارد. من نتیجه می‌گیرم که اقتصاد نهادگرایی جدید موتور کوچکی است که قابلیت و توانایی دارد و بهترین روزهای آن در راه است.

یادداشت‌ها

۱. اولیور ویلیامسون استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا با آدرس

William @ haas berkeley. edu E-mail

این مقاله ابتدا در سومین نشست سالانه جامعه بین‌المللی برای اقتصاد نهادگرایی جدید در واشنگتن دی سی ارائه گردید.

۲. همان‌طوری که در اثر دانیل بورستین (Daniel Boorstin, 1988, p.281) نقل قول شده است.

۳. این چارچوب ابتدا در سال ۱۹۸۸ توسط ویلیامسون طراحی گردید.

۴. دیکسیت (Dixit) سنت مالیه عمومی قدیمی‌تر را برای دستیابی به نارسایی‌های بازار مورد رایزنی قرار می‌دهد.

۵. نوع دیگری از نمودار ۳-۱ ابتدا در مقاله‌ای با عنوان "دوایر خصوصی و عمومی" در سال ۱۹۹۹ آورده شد.

۶ این موضوع نه تنها در ادبیات اقتصادی هزینه مبادلاتی، بلکه در بخشی از ادبیات تئوری نمایندگی (Agency Theory) محور مباحث علمی روز را شکل می‌دهد. برای مطالعه تفصیلی به، هلم استرم (Holmstrom, 1989) و هلم استرم و میلگرام (Holmstrom and Milgrom 1991, 1994) رجوع شود.

۷. نظام‌های ذهن‌گرای سوداگری (Speculative Systems) به سرعت به تصمیم‌گیری می‌رسد چرا که در این نوع نظام‌ها نیاز به اقتصاددان نیست که به جمع‌آوری و تحلیل توده‌ای از اطلاعات آماری پرداخته و فرضیه‌ها را برای تأیید به آزمون تجربی بسپارد و آنهایی را که قابل انطباق نیستند ترد نموده، اطلاعات جدیدی را خلق نماید و آزمون نماید و تا به نتیجه‌ای نهایی برسد. او یک تئوری معتبر عملیاتی را طراحی نمود (Mitchell, 1945, p.2).

۸. شماره ژانویه ۱۹۹۹ مجله Review of Economic Studies به‌طور کامل به مشارکت علمی (Contributions) نقدها و پاسخ‌ها و بسط مدل GHM اختصاص یافته است.

۹. عقلانیت محدود (Bounded Rationality) به صورت ویژه‌ای در این مدل منظور می‌گردد. طرف‌های قراردادی که پیشاپیش (Ex Ante) قادر به تجزیه کامل قرارداد نیستند، آنها قادر خواهند بود نسبت به اتخاذ تصمیمات انتظاری آینده براساس سوابق قبلی برآوردهایی را

مشروط به تشخیص موفقیت صورت دهند. (Kreps, 1998, pp.123-5). درحقیقت مدل GHM یکی از عقلانیت‌های نامحدود (Unbounded Rationality) محسوب می‌شود، به عبارت دیگر هر چیزی که از سازگاری منطقی برخوردار است، ساده‌اندیشی (Credulous) تلقی نمی‌شود (Kreps, 1999, p.125).

۱۰. این که داده‌های آماری مرتبط با GHM بسیار محدود و غیرقابل دسترسی هستند، مبین این موضوع است که چرا آزمون‌های رسمی در رویکرد حقوق مالکیت وجود ندارد (Hart 1995, p.49). اگرچه سیستم قرارداد داخلی (Joh Buttrick, 1952) نوعی برآورد از GHM باشد (و نارسایی‌های آن می‌تواند تضادهای جزئی تفسیر از برآوردهای مدل مذکور باشد).
۱۱. نظام برقراری قرارداد داخلی (Inside) به ماهیت سازمانی GHM اشاره دارد.
۱۲. درخصوص برخورد رسمی اولیه (از شکل خلاصه شده Reduced Forms) از نوع مشابه باجاری (Bajari) و تادلیس (Tadelis) به ریوردن و ویلیامسون ۱۹۸۵ رجوع شود. مقاله اخیر هارت (Hart) و موره (Moore) با عنوان "در طراحی از سیستم‌های سلسله مراتبی" همچنین به تأکید در فراهم‌آوری ملزومات و تأمین سازمان‌ها می‌پردازد.
۱۳. مقررات جاری این‌گونه است که شیوه‌های پیچیده‌تر حکمرانی و اعمال حاکمیت به ازدیاد خطرات قراردادی منجر می‌شود به طوری که وابستگی‌های دوسویه (Bilateral Dependency) به دلیل دارایی‌های خاص (Asset Specificity) از هر شکل ممکن آن (فیزیکی، انسانی، خاص مکانی (Site-Specific)، دارایی‌های اهدایی و وقفی، مارک تجاری دارای‌ها یا ویژگی‌های آنی) همراه با اختلال‌هایی که در طی زمان اجرای قراردادهای برقرار و تحمیل می‌شود سبب‌ساز بسیاری از این مخاطرات هستند. درخصوص به سرانجام رساندن (Working Out) انحرافات سرمایه‌گذاری ناشی از دارایی‌های انسانی یا عدم قابلیت عقد قرارداد، مدل GHM مدعی نیست که موفقیت‌های تجربی مشابهی را در مقایسه با قابلیت‌های آن در سایر موارد دارا می‌باشد.
۱۴. یکی از چند روشی که این موضوع را می‌توان در چارچوب آن در نظر آورد، ماهیت قراردادی مسئله است. این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که به عنوان یک معضل، پیش‌روی اجرای توافق یک کارتل قرار گیرد (ویلیامسون، ۱۹۷۵، فصل ۱۲).

منابع

- Alchian, Artnen. 1961. "Some Economics of Property," RAND Corporation D-2316.
- Allen, Douglas, and Dean Leuck. 1999. "The Role of Risk in Contract Choice." *J. Law Econ. Org.* 15:3, pp. 704-36.
- Arrow, Kenneth J. 1971. *Essays in the Theory of Risk-Bearing*. Chicago: Markham.
- _____. 1987. "Reflections on the Essays," in *Arrow and the Foundations of the Theory of Economic Policy*. George Feiwel, ed. NY: NYU Press, pp. 727-34.
- _____. 1999. "Foreword" in *Firms, Markets and Hierarchies*. Clenn Carroll and David Teece, eds. NY: Oxford U. Press. pp. vii-viii.
- Aslund, Anders. 1995. *How Russia Became a Market Economy*. Washington, DC: Brookings Institution.
- Bajari, Patrick and Steven Tadelis. 1999. "Incentives versus Transaction Costs," unpublished paper, Stanford U.
- Banfield, E.C. 1958. *The Moral Basis of a Backward Society*. NY: Free Press.
- Barnard, Chester. 1938. *The Functions of the Executive*. Cambridge, MA: Harvard U. Perss.
- Baron, James and David Kreps. 1999. *Strategic Human Resources*. NY: Jhon Wiley & Sons.
- Black, Bernard; Reinier Draakman, and Anna Tarassova. 1999. "Russian Privatization and Corperate Covernance: What Went Wrong?" Unpublished Manuscript, Stanford Law School.
- Boorstin, Daniel. 1998. *The Seekers*. NY: Random House.
- Bovcko, Maxim; Andrei Shleifer, and Robert Vishny. 1995. *Privatizing Russia*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Buckley, Peter and Mark Casson. 1976. *The Future of the Multinational Enterprise*. London: Holmes and Meier.
- Buttrick, John. 1952. "The Inside Contracting System." *J. Econ. Hist.* 12:3, pp. 205-21.
- Coase, Ronald. 1937. "The Nature of the Firm." *Economica*, 4:6, pp. 386-405.
- _____. 1959. "The Federal Communications Commission." *J. Law Econ.* 2:2, pp. 1-40.
- _____. 1960. "The problem of Social Cost," *J. Law Econ.* 3, pp. 1-44.
- _____. 1964. "The Regulated Industries: Discussion," *Amer. Econ. Rev.* 54:3, pp. 194-97.
- _____. 1988. *The Firm, the Market, and the Law*. Chicago: U. Chicago Press.
- _____. 1992. "The Institutional Structure of Production," *Amer. Econ. Rev.* 82:4, pp. 713-19.

- Commons, John R. 1932-33. "The Problems of Correlating Law, Economics and Ethics," *Wisc. Law Rev.* 8:1, pp. 3-26.
- Crocker, Keith and Scott Masten. 1996. "Regulation and Administered" Contracts Revisited: Lessons from Transaction Cost Economics for Public Utility Regulation," *J. Regulatory Econ.* 9:1, pp.1, 5-39.
- Dawkins, Richard. 1976. *The Selfish Gene*. NY: Oxford U. Press.
- Demsetz, Harold. 1967. "Toward a Theory of Property Rights," *Amer. Econ. Rev.* 57:2, pp. 347-59.
- _____. 1968. "Why Regulate Utilities?" *J. Law Econ.* 11, pp. 55-66.
- _____. 1969. "Information and Efficiency: Another Viewpoint," *J. Law Econ.* 12:1, pp. 1-22.
- DiMaggio, Paul. 1994. "Culture and Economy," in *The Handbook of Economic Sociology*. Neil Smelser and Richard Swedberg, eds. Princeton: Princeton U. Press.
- Dixit, Avinash. 1996. *The Making of Economic Policy: A Transaction Cost Politics Perspective*. Cambridge: Cambridge U. Press.
- Elster, Jon. 1994. "Arguing and Bargaining in Two Constituent Assemblies," unpublished manuscript.
- Fogel, Robert. 1999. "Catching Up with the Economy," *Amer. Econ. Rev.* 89:1, pp. 1-21.
- Furubotn, Erik and Rudolf Richter. 1991. "The New Institutional Economics: An Assessment," in *The New Institutional Economics*, Furubotn and Richter, eds. College Station, TX: Texas A & M U. Press.
- _____. 1997. *Institutions and Economic Theory*. Ann Arbor: U. Michigan Press.
- Gatignon, Hubert and Erin Anderson. 1988. "The Multinational Corporation's Degree of Control over foreign Subsidiaries: An Empirical Test of a Transaction Cost Explanation." *J. Law Econ. Org.* 4:2, pp. 305-36.
- Georgescu-Roegen, Nicholas. 1971. *The Entropy Law and Economic Process*. Cambridge, MA: Harvard U. Press.
- Goldberg, Victor. 1976. "Regulation and Administered Contracts," *Bell J. Econ.* 7:2, pp. 426-52.
- Granovetter, Mark. 1985. "Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness," *Amer. J. Sociology*, 91:3, pp. 481-510.
- Greif, Avner. "Impersonal Exchange and the Origin of Markets: From the Community Responsibility System to Individual Legal Responsibility in Pre-Modern Europe," forthcoming in *Communities and Markets*. M. Aoki and T. Hyami, eds.
- Grossman, Gene, and Elhanan Helpman, 1999. "Incomplete Contracts and Industrial Organization," NBER Working Paper 7303.

- Grossman, Sanford and Oliver Hart. 1986. "The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral Integration," *J. Polit. Econ.* 94:4, pp. 691-719.
- Hart, Oliver. 1995. *Firms, Contracts, and Financial Structure*. NY: Oxford U. Press.
- Hart, Oliver and John Moore. 1999a. "On the Design of Hierarchies," unpublished paper, Harvard U.
- _____. 1999b. "Foundations of Incomplete Contract," *Rev. Econ. Stud.* 66:1, pp. 115-38.
- Hart, Oliver; Andrei Shleifer, and Robert Vishny. 1997. "The Proper Scope of Government: Theory and Application to Prisons," *Quart. J. Econ.* 112:4, pp. 1127-61.
- Hayek, Friedrich. 1945. "The Use of Knowledge in Society," *Amer. Econ. Rev.* 35:4, pp. 519-30.
- Henisz, Witold. 1998. "The Institutional Environment for International Investment," unpublished Ph. D. dissertation, UC Berkeley.
- Holmstrom, Bengt. 1989. "Agency Costs and Innovation." *J. Econ. Behav. Organ.* 12:3, pp. 305-27.
- _____. 1999. "The Firm as a Subeconomy," *J. Law Econ. Org.* 15:1, pp. 74-102.
- Holmstrom, Bengt and Paul Milgrom. 1991. "Multi-Task Principal-Agent Analyses: Incentive Contracts, Asset Ownership, and Job Design," *J. Law Econ. Org.* 7: Special Issue, pp. 24-52.
- _____. 1994. "The Firm as an Incentive System," *Amer. Econ. Rev.* 84:4, pp. 972-91.
- Huntington, Samuel P. 1996. *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. NY: Simon and Schuster.
- Joskow, Paul. 1991. "The Role of Transaction Cost Economics in Antitrust and Public Utility Regulatory Policies," *J. Law Econ. Org.* 7: special Issue, pp. 53-83.
- Kreps, David M. 1999. "Markets and Hierarchies and (Mathematical) Economic Theory," in *Firms, Markets, and Hierarchies*. Glenn Carroll and David Teece, eds. NY: Oxford U. Press, pp. 121-55.
- Levy, Brian and Pablo Spiller. 1994. "The Institutional Foundations of Regulatory Commitment," *J. Law Econ. Org.* 10:2, pp. 201-46.
- _____. 1996. *Regulations, Institutions, and Commitment: Comparative Studies of Telecommunications*. NY: Cambridge U. Press.
- Lyons, Bruce. 1996. "Empirical Relevance of Efficient Contract Theory: Inter-Firm Contracts," *Oxford Rev. Econ. Policy*, 12:4, pp. 27-52.
- Macneil, Ian R. 1974. "The Many Futures of Contracts," *Southern Cal. Law Rev.* 47:2, pp. 691-816.
- Maskin, Eric and Jean Tirole. 1999. "Unforeseen Contingencies and Incomplete Contracts," *Rev. Econ. Stud.* 66:1, pp. 83-114.

- Masten, Scott. 1995. "Introduction To Vol. II," in *Transaction Cost Economics*. Oliver Williamson and Scott Masten, eds. Brookfield, VT: Edward Elgar.
- _____. 1996. *Case Studies in Contracting and Organization*. NY: Oxford U. Press.
- Matthews, R. C. O. 1986. "The Economics of Institutions and the Sources of Economic Growth," *Econ. J.* 96:4, pp. 903-18.
- McMillan, John and Christopher Woodruff. 1999. "Dispute Prevention without Courts in Vietnam," *J. Law Econ. Org.* 15:3, pp. 637-58.
- Menard, Claude and Mary Shirley. 1999. "Reforming Contractual Arrangements: Lessons from Urban Water Systems in Six Developing Countries," unpublished manuscript.
- Mitchell, W. C. 1945. "The National Bureaus's First Quarter- Century," 25 th Annual Report, NBER.
- Nee, Victor. 1998. "Sources of the New Institutionalism," in *The New Institutionalism in Sociology*. Mary Brinton and Victor Nee, eds. NY: Russell Sage, pp. 1-16.
- Newell, Alan. 1990. *Unified Theories of Cognition*. Cambridge, MA: Harvard U. Press.
- North, Douglass. 1990. "A Transaction Cost Theory of Politics," *J. Theor. Politics*, 2:4, pp. 355-67.
- _____. 1991. "Institutions," *J. Econ. Perspectives*, 5:1, pp. 97-112.
- _____. 1994. "Economic Performance through Time," *Amer. Econ. Rev.* 84:3, pp. 359-68.
- North, Douglas and Barry Weingast. 1989. "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in 17 th Century England," *J. Econ. History*, 49:4, pp. 803-32.
- Olson, Mancur, Jr. 1996. "Big Bills Left on the Sidewalk: Why Some Nations Are Rich, and Others Are Poor," *J. Econ. Perspectives*, 10:2 pp. 3-24.
- Pinker, Steven. 1997. *How The Minde Works*. NY: W.W. Norton.
- Posner, Richard. 1972. "The Appropriate Scope of Regulation in the Cable Television Industry," *Bell J. Econ.* 3:1, pp. 98-129.
- Priest, George. 1993. "The Origins of Utility Regulation and the 'Theories of Regulation' Debate," *J. Law Econ.* 36:1, pp. 289-323.
- Putnam, Robert D.; Robert Leonardi, and Raffaella Y. Nanctti. 1993. *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton U. Press.
- Rindfleisch, A. and J. B. Heide. 1997. "Thransaction Cost Analysis: Past, Present, and Future Applications," *J. Marketing*, 61:4, pp. 30-54.

- Riordan, Michael and Oliver Williamson. 1985. "Asset Specificity and Oliver Williamson. 1985. "Asset Specificity and Economic Organization, *Int. J. Industrial Org.* 3:3, pp.365-78.
- Rosenberg, Nathan and L. E. Birdzell. 1986. *How the West Grew Rich: The Transformation of the Industrial World*. NY: Basic Books.
- Rubinstein, Ariel. 1998. "Review of Herbert Simon, *An Empirically Based Microeconomics*," *J. Econ. Lit.* 37:4, pp. 1711-12.
- Shelanski, H. A. and P. G. Klein. 1995. "Empirical Research in Transaction Cost Economics-A Review and Assessment," *J. Law Econ. Org.* 11:2, pp. 335-61.
- Simon, Herbert. 1957. *Models Of Man*. NY: John Wiley.
- _____. 1985. "Human Nature in Politics: The Dialogue of Psychology with Political Science," *Amer. Polit. Sci. Rev.* 79:2, pp. 293-304.
- Smelser, Neil and Richard Swedberg, eds. 1994. "Introduction," in *The Handbook of Economic Sociology*. Princeton: Princeton U. press.
- Stigler, George. 1968. *The Organization of Industry*. Homewood, IL: Richard D. Irwin.
- Summers, Clyde. 1969. "Collective Agreements and the Law of Contracts," *Yale Law J.* 78:4, pp. 525-75.
- Wang, Shusheng and Tian Zhu. 2000. "Contract Law and the Boundary of the Firm," unpublished manuscript, Hong Kong U. Science and Technology.
- Whinston, Michael. 1997. "On the Transaction Cost Determinants of Vertical Integration," unpublished manuscript, Northwestern U.
- Williamson, Oliver E. 1975. *Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications*. NY: Free Press.
- _____. 1976. "Franchise Bidding for Natural Monopolies – In General and with Respect to CATV," *Bell J. Econ.* 7:1, pp. 73-104.
- _____. 1985. *The Economic Institutions of Capitalism*. NY: Free Press.
- _____. 1991. "Comparative Economic Organization: The Analysis of Discrete Structural Alternatives," *Admin. Sci. Quart.* 36:2, pp. 269-96.
- _____. 1996. *The Mechanisms of Governance*. NY: Oxford U. Press.
- _____. 1998. "Transaction Cost Economics: How It Works; Where It Is Headed," *De Economist*, 146:1, pp. 23-58.
- _____. 1999. "Public and Private Bureaucracies: A Transaction Cost Economics Perspective," *J. Law Econ. Org.* 15:1, pp. 306-42.

منتشر شد



جمهوری اسلامی ایران

قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور

● ماده واحده، تبصره‌ها و جداول کلان

● منابع و مصارف بودجه عمومی دولت

مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲

مجلس شورای اسلامی